



تحتفظوا بغير انكشاف لربو ال سازمان
International Development Law Organization
Organisation Internationale de Droit du Développement
سازمان بين المللي انكشاف حقوق

پروگرام حمايت از انكشاف مسلکی متداوم (CPDS)

جزوه شماره (۸)

مساعدهای حقوقی در افغانستان

Legal Aid in Afghanistan

اسد ۱۳۹۹

تهیه و ترتیب: سازمان بین المللی انكشاف حقوق (IDLO)

کابل، افغانستان

وب سایت: www.idlo.int

در مورد این جزوه

تمام مواد و مندرجات این جزوه در مطابقت با قوانین افغانستان ترتیب گردیده است. به منظور اطمینان از مطابقت با تعدیلات جدید در قوانین افغانستان لازم است این جزوه در فواصل زمانی معین مورد بازنگری قرار گیرد. حق هر نوع تغییر جزئی یا کلی در این جزوه مربوط به سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) میباشد.

تمام موادی که محتوی این کتاب را تشکیل میدهد برای استفاده شخصی و غیر تجارتي شما است. حق طبع این مواد برای سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) محفوظ می باشد.

قوانین مورد استفاده:

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، سال ۱۳۸۲.
۲. کود جزا، سال ۱۳۹۶.
۳. قانون مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران، منتشره جریده رسمی ۱۲۴۴ سال ۱۳۹۵.
۴. قانون مدنی، سال ۱۳۵۵.
۵. قانون صحت عامه، سال ۱۳۸۸.
۶. قانون حمایت اجتماعی، سال ۱۳۹۷.
۷. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، سال ۱۳۸۴.
۸. قانون کار، سال ۱۳۸۷.
۹. قانون منع خشونت علیه زن، سال ۱۳۸۸.
۱۰. مقررہ لابراتوار های طبی شخصی، سال ۱۳۸۵.

فهرست موضوعات

مقدمه ۱

فصل اول

کلیات وکالت دفاع

- مبحث اول: تعریف وکالت دفاع: ۵
- مبحث دوم: مشروعیت وکالت از لحاظ دینی: ۶
- مطلب اول: مشروعیت وکالت از دیدگاه قرآن عظیم الشان ۶
- مطلب دوم: مشروعیت وکالت از دیدگاه احادیث نبوی ۸
- مبحث سوم: شرایط اشتغال به وکالت: ۱۰
- مبحث چهارم: موانع اشتغال به وکالت: ۱۱
- مبحث پنجم: حقوق ووجایب وکلای مدافع ۱۱
- مطلب اول: حقوق وکلای مدافع ۱۱
- مطلب دوم: وجایب وکلای مدافع ۱۲
- مبحث ششم: معرفی انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان: ۱۴
- مطلب اول - اهداف ۱۵
- مطلب دوم - ساختار و صلاحیت ها ۱۶
- مبحث هفتم - اصول حاکم بر وکالت دفاع ۲۰
- گفتار اول: اصول قانونی حاکم بر وکالت دفاع: ۲۰
- گفتار دوم: اصول اخلاقی حاکم بر وکالت دفاع: ۳۲
- ج: ضمانت اجرا ۵۵
- نتیجه گیری فصل اول: ۵۷

فصل دوم

اداره مساعدت های حقوقی

- مبحث اول - مفاهیم و تعاریفات: ۶۰
- الف: تعریف مساعدتهای حقوقی و مشوره حقوقی: ۶۰
- ب: تعریف مساعد حقوقی: ۶۱

- ج: تعریف بی بضاعت: ۶۱
- د: تعریف خدمات حقوقی: ۶۱
- ه: تعریف دستیار حقوقی: ۶۲
- مبحث دوم - اهداف مساعدتهای حقوقی: ۶۲
- مبحث سوم - نهادهای ذیدخل در تنظیم و ارایه مساعدت های حقوقی: ۶۲
- گفتار اول: اداره مساعدتهای حقوقی: ۶۲
- گفتار دوم - کمیسیون عالی مساعدت های حقوقی ۶۴
- مبحث پنجم - اصول حاکم بر مساعدت های حقوقی ۶۶
- الف - اصل رایگان بودن ۶۶
- ب - اصل رضاکارانه بودن ۶۷
- ج - اصل استقلال ۶۷
- نتیجه گیری ۶۸
- فهرست مآخذ ۶۸

به نام خداوند بخشاینده مهربان

مقدمه

دفاع از متهم توسط وکیل مدافع در تمدنهای مختلف از جمله تمدن اسلام وجود داشت. در فقه اسلامی از این نوع وکالت به نام «الوکاله بالخصوصه» یاد شده است.

پیشینه و اهمیت موضوع: در افغانستان برای اولین بار در سال ۱۳۳۶، اصطلاح وکالت دفاع، بطور رسمی، در اسناد دولتی ظاهر شد. دولت وقت در این سال مسوده «تعلیمات نامه وکالت دعوا» را عرضه نمود. این تعلیمات نامه دارای ۴۱ ماده بود و در آن مباحثی چون تعریف وکالت، انعقاد وکالت، شرط وکالت، و ختم وکالت مطرح شده بود.

به دنبال آن در سال ۱۳۴۳ شمسی قانون تنظیم امور وکلای مدافع به تصویب رسید. این قانون دارای ۷ فصل و ۵۰ ماده بود. در قانون مذکور اموری چون صلاحیت وکلای مدافع، درجه محاکم و کیفیت اشتغال به این شغل تنظیم شده بود. در ماده اول این قانون آمده بود: «وکیل مدافع صلاحیت دارد که مطابق به احکام این قانون و سایر قوانین در تمامی انواع محاکم از موکل خود دفاع نماید.»

در زمان حاکمیت رژیم طالبان همین قانون با تبدیل کلمه دولت به امارت اسلامی و یک تغییر جزئی نافذ بود.^۱

بعد از پیدایش فضای باز سیاسی جدید در افغانستان، یکی از اولویت‌های دولت جدید، به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های شهروندان خویش و دفاع از آن‌ها قرار داشت. به همین منظور در ماده ۳۱ قانون اساسی حق برخورداری از وکیل مدافع در دعاوی برای تمامی اشخاص شناسایی گردید. ماده ۳۱ در این باره اشعار می‌دارد:

^۱ بریالی بریال، شرح قانون وکلای مدافع و اساسنامه آن، جزوه درسی در مرکز مستقل ملی آموزش حقوقی افغانستان، ص ۱۰ و ۱۱.

«هرشخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود وکیل مدافع تعیین کند. متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعادى که قانون تعیین تعیین می کند در محکمه حاضر گردد. دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید. محرمیت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن از هر نوع تعرض مصون می باشد. وظایف و صلاحیت های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می گردد.»

ارایه خدمات وکالت از طریق وکلای خصوصی تابع انجمن مستقل وکلای مدافع برای دفاع از حقوق مظنونین و متهمین در هرکشوری لازم است اما کافی نیست. زیرا برخی از افراد برای پیشبرد دعاوی شان و یا دفاع از حقوق شان توان مالی لازم برای استخدام وکیل مدافع را ندارند. خصوصاً در کشورهایی مثل افغانستان که فیصدی بالایی از اتباع کشور فقیر و یا با درآمد پایین می باشند. بنابراین دولت ها افراد بی بضاعت را فراموش نکرده و در فکر حمایت های حقوقی از آن ها هستند. خوشبختانه دولت افغانستان از این امر غافل نبوده و در این راستا از یکطرف وکلای مدافع را به اساس فقره ۱۵ ماده ۱۳ قانون وکلای مدافع مکلف به دفاع مجانی از سه قضیه جنائی در هر سال نموده است و از جانب دیگر «اداره مساعدهت های حقوقی» را به منظور ارایه مشوره ها درچارچوب وزارت عدلیه، تاسیس نموده است. این اداره نیز- اگر شرایط کشور مساعد باشد و زمینه های لازم برای فعالیت های شان فراهم باشد و از سوی دیگر مسئولان آن برای خدمت به مردم عزم راسخ وجود داشته باشد- نقش مهم و برجسته ای را می تواند در دسترسی شهروندان به عدالت و تامین حقوق و آزادی هایی که درقانون اساسی به رسمیت شناخته شده است، ایفاء نماید.

دولت افغانستان به منظور عملی ساختن اندیشه فوق، درتاریخ ۴/۱۰/۱۳۸۷ مقرره مساعدهت های حقوقی را در شورای وزیران تصویب نمود و مقرره مذکور در تاریخ ۱۲ سرطان ۱۳۸۷ در جریده رسمی

شماره ۹۵۰ به نشر رسید. سپس در سال ۱۳۹۸ مقررۀ جدیدی تصویب و در جریده رسمی شماره (۱۳۵۵) به نشر رسید و به اساس آن مقررۀ قبلی ملغی گردید.

سازماندهی جزوۀ آموزشی: این جزوۀ آموزشی شامل دو فصل است؛ در فصل اول، احکام عمومی وکالات دفاع مورد بحث قرار گرفته است از قبیل: تعریف وکالت، شروط وکالت و اصول حاکم بر وکالت. در فصل دوم، موضوع مساعده‌های حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است و موضوعاتی از قبیل تعریف مساعده‌های حقوقی، معرفی نهادهای مساعده‌های حقوقی، شرایط استفاده از خدمات مساعده‌های حقوقی و اصول حاکم بر مساعده‌های حقوقی.

روش تحقیق: در این جزوۀ آموزشی از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. تلاش بر این بوده تا جزوۀ آموزشی حاضر، جنبۀ کاربردی برای مساعدين حقوقی داشته باشد. از این جهت از تطویل ممل و بحث‌های نظری محض، یا بحث‌هایی که نیاز به طرح آن در برنامه‌های آموزشی نیست، اجتناب صورت گرفته است. اما در برخی از موارد مهم و ضروری بحث‌های تحلیلی نظری بنابر اهمیت خاص، طرح شده است. هر درس با طرح اهداف، و ذکر رؤوس عناوین قابل بحث آغاز می شود، سپس مطالب شامل درس مورد بررسی و شرح قرار می‌گیرد. هر درس شامل تعدادی از قضایای فرضی، سوالات مباحثی و غرض گفتگوهای گروهی، فعالیت‌های صنفی، تحلیل و تفکر انتقادی است تا اشتراک کنندگان را به تحلیل و ارزیابی وادار سازد و آموزش را اشتراک‌کننده محور سازد. اما لازم نیست تمام این قضایا و سوالات در صنف مورد مناقشه و تحلیل قرار گیرد، بلکه آموزگار با در نظر داشت وقت تخصیص داده شده، برخی از آنها را انتخاب می‌کند. در پایان هر درس نتیجه گیری همان درس و سوالات ارزیابی ذکر می‌گردد.

فصل اول

کلیات وکالات دفاع

اهداف:

در پایان این جلسه آموزشی اشتراک کنندگان قادر خواهند بود تا:

- ☞ وکالت دفاع را تعریف نمایند؛
- ☞ مشروعیت وکالت دفاع را از لحاظ شرعی بیان دارند؛
- ☞ شرایط و موانع پیش برد وکالت دفاع را لست نمایند؛
- ☞ حقوق و وجایب وکلای مدافع را توضیح دهند؛ و
- ☞ اصول حاکم بر وکالت دفاع را بیان دارند.

عناوین:

- تعریف وکالات دفاع.
- مشروعیت وکالت دفاع
- شرایط اشتغال به وکالت دفاع
- موانع اشتغال به وکالت دفاع
- حقوق و وجایب وکلای مدافع
- معرفی انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان

فصل اول

کلیات وکالت دفاع

مبحث اول: تعریف وکالت دفاع:

وکالت به فتح وکسره واو در لغت بمعنی مطلق واگذاری است، مال و کار خود را، به شخص دیگری از کارهایی که در آن نیابت جائز است، تا وکیل آنرا در زمان خودش برایش انجام دهد.^۱ وکالت به فتح واو وکسر آن به معنی تعویض و واگذاری است، « وکلت امری الی الله » یعنی کار خود را به خداوند (جلاجلاله) واگذار و تفویض کردم، و به معنی حفظ نیز آمده است « حسبنا الله ونعم الوکیل » خداوند (جلاجلاله) ما را بس است و او نیکو نگهدارنده و حافظی است و در فقه مراد از وکالت طلب جانشینی و نیابت کسی است از کسی دیگری در کارهای که نیابت در آن پذیرفتنی است.^۲

وکالت در اصطلاح شرع عبارت است اینکه شخصی کسی را به طور مطلق یا مقید نایب خود قرار دهد، یا به عبارتی دیگر توظیف نمودن شخص غیر است عوض خود در تصرفات معلوم. مفهوم اصطلاحی وکالت از نظری ترمینولوژی عبارت از عقیدست که به موجب آن شخصی به دیگری اختیار عملی را به نام و نفع خود میدهد.

وکالت انتقال صلاحیت مشروع را که شخص به شخص دیگری در کدام کار و صلاحیت خود را تفویض مینماید و او را قایم مقام خود تعیین میکند. وکالت عبارت است تفویض کردن کسی امر خود را به دیگری که

^۱ - آیه الله، مردوخ، فقه محمدی، چاپ اول، انتشارات، سیدیان محاباد، تهران: سال ۱۳۵۲، ص ۱۶۶.

^۲ - سید سابق، مصری، فقه السنه، مترجم: محمود ابراهیمی، جلد چهارم، انتشارات، محمدی سقر، ص ۲۳۶۵.

آزاد در حال حیات موکل انجام دهد، وکالت از جمله عقود است که در حیات روزمره انسانها از اهمیت و ارزش بسزائی برخوردار است.

طبق ماده (۱۵۵۴) قانون مدنی افغانستان وکالت عقدیست که به موجب آن مؤکل شخص دیگری را در تصرفات قانونی و حقوقی معلوم قایم مقام خود میسازد. طبق هدایت ماده (۱۴۴۹) شرح (مجله الاحکام) وکالت تفویض صلاحیت شخص است به دیگری و قایم مقام ساختن وی است به جای خود که تفویض کننده صلاحیت را (مؤکل) و شخص که به او تفویض صلاحیت شده (وکیل) و موضوع تفویض شده را (مؤکل به) گویند.^۱

مبحث دوم: مشروعیت وکالت از لحاظ دینی:

نوت برای آموزگار:

ملاحظه شده که برخی از هموطنان با برداشتهای غلط از دین امر وکالت دفاع را یکنوع همکاری با ظالم قلمداد نموده شرعاً ناجایز تلقی می کنند. از اینرو، مطالب این مبحث را آموزگار برای اشتراک کنندگان به این هدف توضیح بدهد تا آنها قادر شوند با مراجعین شان و عموم مردم در خصوص آن آگاهی دهی نمایند.

مطلب اول: مشروعیت وکالت از دید گاه قرآن عظیم الشان

وکالت از دیدگاهی قرآن کریم مشروعیت خاص خود را داشته آیاتی زیادی در مورد موضوع وکالت صراحت دارد. خداوند (ج) می فرماید « وَكَذَلِكَ بَعَثْنَا لَهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ

^۱ - محمد عثمان، ژبل، شرح محله الاحکام، جلد، چهارم، چاپ دوم، انتشارات، مطبعه دولتی، کابل: سال ۱۳۸۴، ص

بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا^۱ (۲) ترجمه: همان گونه که (۳۰۹ سال آنرا خوابانندیم) ایشانرا برانگیختم تاازیک دیگر (مدت خواب خودرا) بپرسند یکی ازآنان گفت چه مدتی (درخواب) مانده اید؟ (دسته ای) گفتند: روزی یا بخشی ازروزدرخواب بوده ایم گروهی دیگرگفتند پروردگارتان بهترمیداند که چقدر (درخواب) مانده اید (یکی پیشنهاد کرد وگفت) سکه نقره ای را که باخود دارید به کسی ازنفرات خود بدهید واورا روانه شهرکنید تا (برود) ببیند کدامین (فروشنده) ایشان غذائی پاکتری دارد، روزی و طعامی ازآن بیاورد، اما باید نهایت دقت را وهیچ کس را ازحال شما آگاه نسازد.

اصحاف کهف (ع) از میان خود یک شخص را برای غذائی حلال وکیل گرفت بنا معلوم گردید که شخص عوض شخص دیگر وکیل وضامن شده میتواند که امورات وی را به پیش ببرد واز او نیابت نماید.

چنانچه خداوند (ج) درجای دیگری قرآن کریم از زبان حضرت یوسف (ع) می فرماید « قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ » (۳) ترجمه: مرابه خزائن زمین بگمارکه به راستی من نگهدارنده آگاهی ودانائی هستم .

درجای دیگرقرآن کرم فرموده است « قَالُوا نَفَقْدُ صَوَاعِ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ » (۱) ترجمه: (گفت نماینده پادشاه مصر) می پالیم ما پیمانمان را وهران کسیکه آورد آنرا برای او یک بارشترغله میدهد ومن وکیل وضامن او هستم .

^۱ - القرآن الکریم، سوره الکهف، آیه ۱۹ .

^(۲) .سورة الکهف ، آیه : ۱۹

^(۳) . سورة یوسف ، آیه : ۵۵ .

^(۱) . سورة یوسف ، آیه : ۷۲ .

از این آیه مبارکه معلوم میشود که انعام یک بارغله شتر از طرف پادشاه تعیین شده بود مگر نماینده وی میگوید که هرآن کسیکه پیمانۀ طلائی پادشاه را آورد پادشاه برای وی انعام میدهد، ومن وکالت آنرا میکنم و او به انعام خود میرسد.

خداوند (ج) در جای دیگری قرآن عظیم الشان فرموده است « وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ » (۲) ترجمه: اگر زنان تان را پیش از نزدیکی کردن طلاق دادید، در حالیکه برای آنان مهر و کابینی تعیین نموده اید، پس باید نصف آنچه را که تعیین کرده اید بپردازید مگر آنکه زنان آنرا به شوهران خود ببخشند: بخشیدن شما به تقوا نزدیکتر است و احسان و بخشش را از یکدیگر فراموش نکنید خداوند (ج) آنچه را که انجام میدهد بینا و آگاه است.

یکی از احکامیکه از آیه فوق استفاده میشود (منظور ما مشروعیت عقد وکالت است که عقد وکالت در اصطلاح نایب گرفتن است برای تصرف در مال و امور شخص) به استناد جمله « او يعفو الذي بيده عقدة النكاح » مشروع دانسته اند و گفته اند که عقدة النكاح بدست اوست همان وکیل زن است.^۱ پس ثابت شد که عمل وکالت از دیدگاه قرآن کریم مشروعیت خاص خود را داشته است.

مطلب دوم: مشروعیت وکالت از دیدگاه احادیث نبوی

عمل وکالت از دیدگاه احادیث نبوی جایز بوده و رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) خودشان در زمان حیات شان در امور وظيفه خویش خود وکیل تعیین کرده است.

(۲). سورة بقره ، آیه ۲۳۷ .

۱ - محمد علی " آقای " ، ایات احکام حقوقی ، تهران ناشر: خط سوم ، چاپ : ۱۳۸۰ ، ص: ۳۵ .

عن ابی هريرة (رضی الله عنه) أن رجلا أتى النبي (صلى الله عليه وسلم) يتقاضاه فاعلظ فهم به أصحابه، فقال رسول الله (دعوه فان لصاحب الحق مقالا) ثم قال (أعطوه سنا مثل ثنية قالوا: يا رسول الله لا نجد الا امثل من ثنية، فقال: (أعطوه بان من خيركم احسنكم قضاء)^۱. ترجمه: شخص نزد پیامبر خدا (صلى الله عليه وسلم) آمد در طلب قرض خود در مقابل آن حضرت (صلى الله عليه وسلم) درشت زبانی نمود، صحاب (رضی الله عنهم) خواستند تا نسبت به آن شخص عکس العمل نشان دهند، پیامبر خدا فرمودند: با او چیزی نگویند، چون زبان صاحب حق دراز است سپس فرمودند هم سن شترش برایش شتری بدهید. گفتند یا رسول الله: شتر مانند شتر او نیست، این شترها بر شتر او برتریت دارد فرمودند: شتر بهتری بدهید زیرا بهترین شما کسی است که قرض خود را به طور شایسته تری ادا کند.

عن عقبه بن عامر (رض): عن النبي (صلى الله عليه وسلم) « أعطاه غنماً يقسمها على صحابة، فبقية عتود فذكره للنبي (صلى الله عليه وسلم) فقال (ضح به انت)^۲ ترجمه: از عقبه ابن عامر (رض) روایت است که: پیامبر خدا (صلى الله عليه وسلم) برایش گوسفندانی را داده تا برای دوستان خود تقسیم نماید، (آن گوسفندان را تقسیم نمود) و یک بزغاله باقی ماند موضوع را به پیغمبر خدا (صلى الله عليه وسلم) گفت فرمودند: تو خودت آنرا قربانی کن.

قرطبی گفته است: که از این یکی احادیث که در فوق تذکر یافت برمیآید که شخص حاضر هم میتواند از جانب خود وکیل بگیرد، چون پیامبر (صلى الله عليه وسلم) به یاران خود دستور داد که شتر وی را به طلب گار بدهد و این عمل ایشان وکیل گرفتن است در حالیکه پیامبر (صلى الله عليه وسلم) خودش نه بیمار بود و نه مسافر وکیل گرفت. مسلمانان نیز در جواز وکیل تعیین کردن اجماع کردن حتی مسحتب داستن

^۱ - محمد ابن اسماعل "بخاری"، صحیح البخاری، باب الوکالت، انتشارات: دارالعلوم انسانیه دمشق- حلبونی، ص: ۵۹۴، شماره حدیث: ۲۳۰۶.

^۲ - محمد ابن اسماعل "بخاری"، صحیح البخاری، ص: ۵۹۴، شماره حدیث: ۲۳۰۳.

وکیل گرفتن را چون این علم یک نوع تعاون بر "بر" و تقوا است که قرآن کریم و سنت نبوی نیز آنرا تشویق و ترغیب نموده است.^۱

مبحث سوم: شرایط اشتغال به وکالت:

قانون وکلای مدافع شرایط اشتغال به وکالت را در ماده ششم خود ذکر نموده است. مطابق به آن شرایط پیش برد وکالت عبارت است از:

۱. داشتن تابعیت افغانستان.

قابل ذکر است مطابقت فقره سوم همین ماده تبعه خارجی تحت شرایط خاص می تواند در افغانستان شغل وکالت را پیش ببرد. این شرایط عبارت است از:

أ. جواز اقامت در افغانستان را داشته باشد.

ب. از کشور متبوع خود جواز وکالت را داشته باشد.

ج. ذمت مالیات خویش را اداء نماید.

۲. عدم محکومیت به جرم جنایت.

جنایت جرمی است که جزای آن در قانون حبس طویل، دوام درجه ۲، دوام درجه ۱ و یا اعدام، پیش بینی شده است.

۳. داشتن سند فراغت از پوهنچی های حقوق یا شرعیات و یا بالاتر از آن از داخل و یا خارج کشور بعد از ارزیابی و تأیید وزارت تحصیلات عالی.

^۱ - سید سابق، مصری، فقه السنه، ج: ۴، ص: ۲۳۶۹.

مطابق فقره دوم همین ماده، فارغین مدارس دینی رسمی کشور و یا معادل آن زمانی می‌توانند که شغل وکالت را پیش ببرند که برای مدت سه سال طور عملی تحت نظر یکتن از وکلا فعالیت نموده باشند.

۴. سپری نمودن دوره معینه ستاژ و حصول تصدیق طبق احکام اساسنامه انجمن وکلای مدافع.

مبحث چهارم: موانع اشتغال به وکالت:

برخی اشخاص، قانوناً حق پیش برد وکالت دفاع را ندارند ولو شرایط متذکره در مبحث قبلی را تکمیل نموده باشند. این افراد در ماده هفتم قانون وکلای مدافع چنین ذکر شده اند:

« ۱. قضات، سارنوالان، صاحب منصبان اردو، پولیس، امنیت ملی، مامورین خدمات ملکی و کارکنان شاروالی‌ها و اعضای شورای ملی، شورای ولایتی و ولسوالی‌ها حین تصدی و وظیفه.

استادان پوهنچی‌های حقوق و شرعیات (به موافقه پوهنتون) و مساعدين حقوقی از این امر مستثنی‌اند.

۲. اشخاصیکه به ارتکاب جرایم جنایت محکوم یا به حکم محکمه از وظایف خویش طرد گردیده باشند.

۳. اشخاصیکه طبق حکم محکمه از اشتغال به وکالت دفاع محروم گردیده باشند».

مبحث پنجم: حقوق ووجایب وکلای مدافع

وکیل مدافع دارای حقوق و وجایب مشخص در قانون است. نخست حقوق وکلای مدافع و به تعقیب آن وجایب آنها بررسی می‌گردد.

مطلب اول: حقوق وکلای مدافع

ماده دهم قانون وکلای مدافع درمورد حقوق وکلای مدافع چنین صراحت دارد.

« شخصیکه جواز وکالت دفاع را اخذ می‌نماید، دارای حقوق آتی میباشد:

۱. دفاع از حقوق مؤکل در قضایای حقوقی به پیش گاه محکمه و سایر مراجع مطابق احکام این قانون.
۲. اشتراک در تمام مراحل کشف، تحقیق و محاکمات و رایه جواب به نیابت از مؤکل .
۳. اطلاع از جریان کشف تحقیق و محاکمه مؤکل و نتایج آن .
۴. مطالبه اوراق دعوی جزای و حقوقی مربوط مؤکل .
۵. ملاقات و مفاهمه، مراسلات و مخابرات با مؤکل تحت نظارت، توقیف یا حبس در محیط مسئون و محرمانه .
۶. رایه مشوره های حقوقی به اشخاص حقیقی و حکمی .
۷. اخذ حق الزحمه از مؤکل در بدل انجام خدمات و مشوره های حقوقی مطابق طرز العمل داخلی انجمن وکلای مدافع و توافق جانبین .
۸. ایجاد دفتر وکالت .
۹. استفاده از سایر حقوق مندرج در اسناد تقنینی .»

مطلب دوم: وجایب وکلای مدافع

ماده سیزدهم قانون وکلای مدافع در مورد وجایب وکیل مدافع چنین صراحت دارد:
«وکیل مدافع دارای وجایب ذیل می باشد:

۱. حفظ اسرار مؤکل.
۲. اجرایی امور وکالت با صداقت و ایمان داری و احترام به حیثیت اشخاص .
۳. رعایت نظم محاکم و سایر ادارات .
۴. اشتراک در جلسات قضائی .
۵. خود داری از هر نوع مساعده حقوقی به جانب مقابل .
۶. حفظ اوراق و اسناد مؤکل و استرداد آن بعد از حل مطلب .

۷. دادن سند کتبی در برابر اخذ واسترداد اسناد و اوراق .
۸. خود داری از تبلیغات سوء بر علیه سایر وکلا .
۹. جلوگیری از اعمالی که سبب معطل شدن بی موجب حکم محکمه و جریان تحقیق گردد.
۱۰. اجتناب از عاریت دادن نام و عنوان دارالواکله به سایر اشخاص .
۱۱. اطلاع به مراجع زیربط در مورد تغییر آدرس دارالواکله .
۱۲. تجدید جواز .
۱۳. پرداخت مالیات بر عایدات طبق احکام قانون .
۱۴. اطلاع دهی از عایدات سالیانه به انجمن وکلای مدافع .
۱۵. حداقل دفاع از سه قضیه جنای طور رایگان در یک سال به تأیید وزارت عدلیه .
۱۶. رعایت قواعد سلوک مندرج اساس نامه انجمن وکلای مدافع .
۱۷. انجام وظایف طبق اساس نامه انجمن وکلای مدافع.

این وجایب اقتضا دارد که وکیل مدافع از تمام مراحل دعوی و کوچکترین اجزای دوسیه نسبتی مؤکل خویش آگاه باشد. وکیل مدافع عندالموقع در جریان دعوی حضور یابد و تمام موارد را که به نفع و بی گناهی مؤکل اش میباشد جمع آوری و بعد از جلسات مقدماتی به مجرد صدور حکم و فیصله، مواد جمع شده را به سمع جلسات قضای برساند. وکیل مدافع بالای جمع حالات مختلف اتهام وارده، علم خود را مسلط ساخته و در هنگام رایۀ نظریات اهل خبره طب عدلی، کریمنا لستیک، کریمنا لتخنیک، لیست شهود رویت، و شهود سماع، شهود اثبات و شهود نفی دلایل موجه، به غرض دفع اتهام وارده بالای مؤکل اش در مراحل تحقیق در مراجع مربوطه ابراز نماید.

مبحث ششم: معرفی انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان:

وکالت دفاع یکی از پایه های عدالت شمرده میشود ایجاب مینمود که من حیث سایر خدمات عمومی دولت آنرا بعهدہ گیرد. اما بخاطر اهمیت استقلالیت وکالت دفاع، دولتها ترجیح میدهند این خدمات برای مردم از طریق انجمنهای مستقل ارائه شود. قانون اساسی وقوانین عادی کشورهای دنیا وجود این انجمنها را پیش بینی واز آن حمایت میکنند.

قانون اساسی افغان در ماده ۳۱ خود وجود وکالت دفاع را یک امر لازمی دانسته است، اما صراحتاً وجود انجمن مستقل وکلای مدافع واینکه خدمات دفاع مستقلانه ودور از چوکات حکومت ارائه شود را پیش بینی نکرده است. با یک تحلیل از حصر دخالت دولت در تعیین وکلای مدافع برای اشخاص بی بضاعت آیا میتوان چنین استنباط نمود که روح قانون اساسی ایجاب میکند که دولت در تعیین وکلای مدافع برای سایرین هیچ دخالتی نباید داشته باشد واین خدمات بشکل مستقلانه از طریق انجمن وکلاء ارائه شود. نص قانونی که صراحتاً ایجاد انجمن را پیش بینی نموده است، مواد مختلف قانون وکلای مدافع، به ویژه آن ماده چهارم میا شد که چنین صراحت دارد:

"به منظور تنظیم ورهبری امور مربوط به وکلای مدافع انجمن وکلای مدافع بشکل مستقل و غیر دولتی تأسیس میگردد....."

این قانون در راستای عملی ساختن مفاد ماده ۳۱ قانون اساسی، در تاریخ ۱۳۸۶/۹/۴ طی فرمان ۱۱۱ رئیس جمهور وقت، نافذ گردید. این قانون که از سوی هیات مختلط شورای ملی در پنج فصل و ۴۴ ماده به تصویب رسیده بود، به تاریخ ۱۳۸۶/۹/۲۶ در جریده رسمی شماره ۹۳۴ به نشر رسید. طبق این فرمان وزارت عدلیه موظف شده بود که در خلال سه ماه بعد از انفاذ قانون وکلای مدافع تدابیر لازم را برای ایجاد انجمن وکلای مدافع اتخاذ نماید. به تاریخ ۶ اسد ۱۳۸۷ وکلای مدافع از سراسر کشور در هوتل انترکانتیننتال گرد هم آمدند و تاسیس انجمن را جشن گرفتند.

در این قانون مسائل مربوط به وکالت دفاع از قبیل شرایط اشتغال به حرفه وکالت دفاع، موانع آن، شرایط صدور جواز وکالت و حقوق و وجایب وکلای مدافع بشکل مفصل تنظیم شده است.

در ماده پنج این قانون وکیل مدافع این گونه تعریف شده است: "وکیل مدافع شخصی است که شامل فهرست وکلای مدافع بوده، مطابق احکام قانون در پیشگاه محاکم و سایر مراجع از حق موکل خویش دفاع یا دعوا را اقامه می نماید".

مطلب اول - اهداف

برطبق ماده ۲ اساسنامه انجمن مستقل وکلای مدافع، این انجمن به منظور تحقق اهداف ذیل فعالیت می نماید:

۱. حمایت از تطبیق احکام دین مقدس اسلام، حاکمیت قانون و عدالت.
۲. دفاع از حقوق بشر و مبارزه علیه هر نوع تبعیض و امتیاز جنسی، نژادی، زبانی، رنگ، منشاء اجتماعی و قومی، میزان دارایی، معلولیت و امثال آن.
۳. رعایت حقوق و آزادی های شناخته شده اتباع در مراجع حقوقی و عدلی.
۴. مساعد ساختن زمینه دسترسی به عدالت در محاکم و مراجع کشف و تحقیق از طریق عرضه خدمات حقوقی مناسب و معیاری.
۵. توزیع جواز وکالت دفاع به اشخاصی که شرایط مندرج قانون وکلای مدافع و این اساسنامه را تکمیل نموده باشند.
۶. ایجاد کورس های آموزشی و تطبیق پروگرام های موثر جهت ارتقای سطح دانش مسلکی وکلای مدافع و منافع صنفی آنها.
۷. حفظ و دفاع از استقلالیت وکلای مدافع و منافع صنفی آنها.
۸. رعایت معیارهای اخلاقی و مسلکی از طرف اعضا و تشویق آنها به رفتار مناسب با موکلین.
۹. تشویق وکلای مدافع به خاطر حفظ حیثیت و وقار مسلکی، جلب اعتماد موکلین و مبارزه با هر نوع فساد اداری.
۱۰. مساعد ساختن زمینه خدمات حقوقی برای متقاضیان در موضوعات جزایی، مدنی و تجارتي.
۱۱. نظارت بر فعالیت مسلکی وکلای مدافع.

۱۲. انسجام فعالیت وکلای مدافع، حمایت و دفاع از حقوق آنها.
۱۳. تامین خدمات حقوقی رایگان به مظنونین و متهمین بی بضاعت مطابق احکام قانون.
۱۴. تلاش جهت ارایه آگاهی حقوقی عامه با استفاده از طرق و وسایل مختلف.
۱۵. تشریک مساعی میان انجمن و سایر مراجع کشفی عدلی و قضایی.

مطلب دوم - ساختار و صلاحیت ها

ساختار انجمن را ارکان ذیل شکل می دهد:

- أ. مجمع عمومی
- ب. شورای رهبری
- ج. هیات اجراییه
- د. هیات نظارت
- ه. کمیته انتخابات
- و. کمیته تعلیمات

-الف: مجمع عمومی:

مجمع عمومی عالی ترین مرجع تصمیم گیری انجمن بوده و متشکل از اعضای شورای رهبری، هیات اجراییه، هیات نظارت، کمیته های انتخابات و تعلیمات و اعضا می باشد (ماده هفتم اساسنامه).
مجمع عمومی دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

۱. انتخاب و عزل اعضای شورای رهبری، آمر اجراییوی و هیات نظارت.
۲. تعیین و تثبیت پالیسی و جهات اساسی فعالیت انجمن.
۳. پیشنهاد طرح تعدیل قانون وکلای مدافع.
۴. تصویب یا تعدیل اساسنامه.
۵. استماع گزارش سالانه فعالیت های انجمن.
۶. اتخاذ سایر تصمیمات (ماده ۸ اساسنامه).

ب - شورای رهبری

۱. شورای رهبری بعد از مجمع عمومی عالی ترین مرجع ذیصلاح انجمن بوده و به شمول هیات اجراییه دارای ۱۵ عضو می باشد.

۲. از جمله ۱۵ عضو شورای رهبری، حداقل سه عضو آن از میان وکلای مدافع طبقه اناث انتخاب می گردند.

۳. شخصی به صفت عضو شورای رهبری کاندید شده می تواند که دارای صفات و مشخصات ذیل باشد:

(أ) تنها حامل تابعیت افغانستان باشد.

(ب) داشتن تجربه کاری مسلکی حداقل سه سال برای وکلای مدافع حایز سند فراغت از پوهنحی های حقوق و علوم سیاسی یا شرعیات یا بالاتر از آن از داخل یا خارج کشور.

(ت) داشتن تجربه کاری مسلکی حداقل پنج سال برای وکلای مدافع حایز سند فراغت از مدارس دینی رسمی کشور یا معادل آن از داخل و یا خارج کشور.

(ث) داشتن شهرت نیک (ماده ۹ اساسنامه).

بر طبق ماده ۱۰ اساسنامه صلاحیت های شورای رهبری به قرار ذیل است:

۱. سازماندهی، نظارت از تطبیق بودجه و اجرای تصامیم مجمع عمومی.

۲. استماع و ارزیابی گزارش هیات اجراییه.

۳. تصویب پلان، تشکیل اداری و بودجه سالانه.

۴. رایه گزارش به مجمع عمومی.

۵. انتخاب و عزل روسا و اعضای کمیته های انتخابات و تعلیمات.

۶. اتخاذ تصمیم در مورد تنظیم روابط انجمن با سایر انجمن های مماثل و ادارات دولتی.

۷. برگزاری جلسات فوق العاده انجمن.

۸. تصویب اندازه حق العضویت و حق الامتیاز.

ج - هیات اجراییه

هیات اجراییه ارگان دایما فعال انجمن بوده مرکب است از رییس عمومی انجمن، معاونان، آمر اجراییوی و مسئول مالی که تمام امور اجراییوی انجمن را مطابق احکام قانون وکلای مدافع و این اساسنامه رهبری و اداره می نمایند (ماده ۱۱ اساسنامه).

وظایف و صلاحیت های هیات اجراییه به قرار ذیل می باشد:

۱. رهبری اداره و تنظیم امور انجمن.
۲. تطبیق پلان های کاری، پالیسی و تامین اهداف انجمن.
۳. تطبیق بودجه و مراقبت از مصارف مالی.
۴. تطبیق و تعمیل تصامیم مجمع عمومی و شورای رهبری.
۵. ارایه گزارش فعالیت به شورای رهبری (ماده ۱۲ اساسنامه).

د-هیات نظارت

هیات نظارت متشکل از پنج عضو می باشد که از طرف مجمع عمومی برای دو سال انتخاب می شوند. رییس از میان اعضا و توسط خود آنها انتخاب می شود. از جمله پنج عضو هیات نظارت، حد اقل یک عضو آن از میان وکلای مدافع طبقه اناث انتخاب می گردد. (ماده ۱۳).

وظایف و صلاحیت های هیات نظارت به شرح ذیل است:

۱. نظارت از تطبیق تصامیم مجمع عمومی و شورای رهبری.
۲. نظارت از تطبیق و رعایت احکام اساسنامه.
۳. رسیدگی به شکایات اعضای انجمن.
۴. نظارت بر امور مالی انجمن.
۵. تادیب وکلای مدافع متخلف و خاطی. (ماده ۱۴)

مجمع عمومی انجمن، طرزالعملی را نیز برای نحوه کار هیات نظارت به تصویب رسانده است.

ه - کمیته انتخابات

۱. به منظور برگزاری انتخابات، یکماه قبل از تدویر انتخابات، کمیته انتخابات که متشکل از پنج عضو می باشد از طرف شورای رهبری انتخاب می گردد.

۲. از جمله پنج عضو کمیته انتخابات، حد اقل یک عضو آن از میان وکلای مدافع طبقه اناث انتخاب می گردد.

۳. رییس کمیته انتخابات از میان اعضا انتخاب و امور مربوط به کمیته را رهبری و تنظیم می نماید.

۴. به منظور برگزاری انتخابات سالم کمیته انتخابات می تواند از ناظرین مستقل ملی و بین المللی دعوت نماید.

۵. کمیته انتخابات امور مربوط به انتخابات را طبق طرزالعمل وضع شده از طرف انجمن تنظیم می نماید.

۶. طرزالعمل مربوط به کمیته انتخابات از طرف شورای رهبری تصویب می گردد.

۷. کمیته انتخابات بعد از اختتام پروسه انتخابات منحل می گردد (ماده ۱۵).

و - کمیته تعلیمات

۱. به منظور تنظیم امور آموزش و اخذ امتحانات، کمیته ای مرکب از پنج عضو که در راس آن رییس انجمن قرار دارد از طرف شورای رهبری برای مدت یک سال انتخاب می گردد.

۲. کمیته تعلیمات پروگرام های تعلیمات عمومی را تنظیم و شرایط شمولیت به کورس ها را طبق طرزالعمل جداگانه مشخص می سازد.

۳. طرزالعمل کمیته تعلیمات از طرف شورای رهبری تصویب می گردد (ماده ۱۶).

مبحث هفتم - اصول حاکم بر وکالت دفاع

گفتار اول: اصول قانونی حاکم بر وکالت دفاع:

با نگاهی به قوانین ملی و اسناد بین‌المللی مختلف، بویژه، سند اختصاصی راجع به این موضوع، یعنی سند سازمان ملل تحت عنوان «اصول اساسی نقش وکلا» مصوب هشتمین کنگره ملل متحد برای وقایه از جرم و رفتار با مجرمان (هاوانا، ۲۷ اگست - ۷ سپتامبر ۱۹۹۰).^۱ اصول ذیل به عنوان مهمترین اصول حاکم بر حق استفاده از وکیل مدافع در دعاوی مطرح شده نزد محاکم به خصوص دعاوی جزایی، بدست می‌آید.

۱. انتخابی بودن وکیل:

وکیل مدافع باید با انتخاب متهم باشد (اصل اول و پنجم سند فوق). در یک محاکمه نظامی که محکمه، متهم را وادار کرده بود تا از میان دو نفر تعیین شده از سوی محکمه برای وکالت، یکی را برگزیند، کمیته حقوق بشر نظر داد که در این قضیه حق متهم مبنی بر انتخاب کردن وکیل نقض شده است. هم‌چنین در قضیه‌ای دیگر، که به متهم فهرستی از وکلای نظامی داده شده بود که از میان آنها یکی را به عنوان وکیل انتخاب کند (علیرغم اینکه یک وکیل غیرنظامی علاقمند به دفاع از متهم وجود داشت) از سوی کمیته حقوق بشر تخلف محسوب شد.

هم‌چنین کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر، در قضیه‌ای در کشور پرو، که بر اساس یک فرمان قانونی در جرایم تروریستی به وکیل مدافع حق داده شده بود فقط از یکی از متهمین، آنهم فقط برای یکبار نمایندگی کند، آنرا نقض حق انتخاب وکیل دانست.

^۱ محمود علم، دادگستری استاندارد در اسناد بین‌المللی، صص ۲۷-۲۱.

محکمه اروپایی حقوق بشر اعلام نمود که محاکم داخلی، در تعیین وکیل مدافع حتماً باید بر طبق انتخاب متهم عمل کنند. هرچند، در برخی موارد می‌توانند به نظر آنها عمل نکنند هرگاه تشخیص دهند که در راستای منافع اجرای عدالت، دلایل کافی برای ضرورت این امر، وجود دارد.^۱

در قضیه پینتو علیه کشور ترینیداد و توباگو (۲۳۲/۸۷)، کمیته حقوق بشر اظهار داشت که شاکی نمی‌باید وادار می‌شد که وکیل تعیین شده از سوی محکمه را که پیش تر در محکمه ابتدائیه به گونه‌ای، ضعیف عمل کرده بود، در مرحله محکمه استیناف هم بپذیرد و این در حالی بود که متهم اقداماتی را برای گرفتن وکیلی دیگر در این مرحله، انجام داده بود.^۲

حقوق ملی نیز این اصل را در مواد مختلف خود پذیرفته است از جمله مختصراً به قوانین زیر اشاره مینماییم:

قانون اساسی کشور در ماده ۳۱ خود تصریح میدارد که: " هر شخص میتواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری ویا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند."

قانون اجراءات جزائی در فقره هشت ماده هفتم خود تعیین وکیل مدافع وداشتن مساعده حقوقی را طبق احکام قانون به عنوان حق مظنون، متهم ومسؤول حق العبد معرفی نموده است. به این معنی که انتخاب وکیل مدافع را قانون کاملاً به خود مظنون، متهم ومسؤول حق العبد واگذار نموده است. سپس در فقره اول ماده نهم خود تصریح نموده است که مظنون ومتهم در تمام مراحل تعقیب عدلی از حق دفاع برخوردار اند که میتوانند شخصا ویا توسط نماینده قانونی خویش که وکلای مدافع را نیز دربر میگیرد، از آن استفاده نمایند. به این معنی که این حق منحصر به یک مرحله نیست. طبق فقره دوم همین ماده مظنون ومتهم در عین زمان میتوانند الی سه نفر وکیل مدافع داشته باشند.

^۱ Amnesty International fair Trials Manual, P. ۳۶, available at:

<http://www.amnesty.org/ailib/intcam/fairtrial/indxftm.htm>

^۲ مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش علمی قضات ایران و اروپا، تحت عنوان: نقش دادستان در دادرسی عادلانه، دادرسی عمومی و

انقلاب تهران، چاپ اول ۱۳۸۵، ص ۱۰۲.

قانون وکلای مدافع نیز بر اصل انتخابی بودن وکیل مدافع در مواد مختلف خود اشاره نموده است از جمله ماده دوم آن که حق انتخاب و تعیین وکیل مدافع را برای همگان برسمیت شناخته است " هر شخص می‌تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری ویا برای اثبات خویش وکیل مدافع تعیین کند". قابل ذکر است که نقش اراده مؤکل فقط در انتخاب وکیل منحصر نیست بلکه طبق ماده دوازدهم این قانون حقوق ووجایب مؤکل و وکیل مدافع به اراده آزاد همدیگر در قالب یک قرارداد توسط خود شان تنظیم میگردد. بخاطر احترام بیشتر به این اصل، قوانین کشور عقد وکالت را یک عقد جایز (قابل فسخ) خوانده است که هر یک از طرفین هرگاه خواسته باشند میتوانند از آن عدول نموده قرارداد را فسخ نمایند. به این معنی که اراده آزاد مؤکل هم در آغاز رابطه وکالت لازم است و هم در اجرای آن. در این خصوص ماده هفدهم قانون وکلای مدافع چنین تصریح مینماید:

" (۱) هرگاه وکیل مدافع بعد از عقد مقابله با مؤکل بنا بر عذر مؤجه قادر به ایفای تعهد خویش نگردد، میتواند به موافقه کتبی مؤکل، وکیل مدافع دیگر را به وی معرفی نماید.

(۲) مؤکل میتواند در هر مرحله از کشف، تحقیق یا محاکمه وکیل مدافع خویش را عزل نماید...."

۲. رایگان بودن وکالت، در صورت ناتوانی متهم بر پرداخت هزینه وکیل مدافع

اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای برای برخورداری متهم از وکالت رایگان دو شرط قائل شده است: اول اینکه: منافع عدالت آنرا ایجاب کند. اینکه منافع عدالت دولتها را ملزم به در دسترس قرار دادن وکیل رایگان برای متهم بنماید، بستگی به شدت جرم و مجازات آن دارد به این معنا که هر گاه جرم و مجازات یک قضیه جزایی به اندازه‌ای شدید باشد که بر متهم تبعات سنگینی تحمیل گردد، مانند مجازات اعدام یا حبس‌های درازمدت، در این صورت، محاکمه عادلانه اقتضاء می‌کند که حتماً وکیل در دعوا حضور داشته باشد تا از متهم دفاع کند.

فعالیت شماره (۱)

کار عملی:

فقره ۴ ماده ۹ و پراگراف دوم و سوم ماده ۱۵۲ قانون اجراءات جزایی و ماده ۳۱ قانون اساسی مطابقت

دارد یا خیر؟

اگر مطابقت دارد توضیح نماید؟

اگر مطابقت نداشته باشد توضیح نماید؟

جواب احتمالی:

اگر به ماده ۳۱ قانون اساسی دقت صورت گیرد دیده می‌شود که داشتن وکیل مدافع حق مظنون و متهم است. ولی فقره ۴ ماده ۹ اصطلاح ضروری را استفاده کرده است و ضروری را بدون این که به مکلفیت تعبیر کنیم چاره‌ای ندارد. و پراگراف دوم ماده ۱۵۲ این قانون تصریح میدارد که اگر در جرم جنحه وکیل مدافع وجود نداشته باشد مانع اجراءات تحقیق و از بین بردن دلائل نمی‌شود. تفسیر معکوس آن طوری خواهد بود که اگر در جرم جنایت وکیل مدافع نباشد مانع روند تحقیق شده میتواند ولو که دلائل از بین برود.

پراگراف سوم این ماده شارنوال را مکلف میسازد که در جرم جنایت وکیل مدافع را به مصرف متهم معرفی نماید و در صورتیکه بی بضاعت باشد، وکیل مدافع و یا مساعده حقوقی رایگان را برایش تعیین می‌نماید. بناً گفته میتوانیم که ماده ۳۱ قانون اساسی داشتن وکیل مدافع را حق دانسته ولی مواد فوق الذکر قانون اجراءات جزایی داشتن وکیل مدافع را در جرایم جنایت یک نوع مکلفیت دانسته است. به نظر میرسد که در مواد یک نوع تناقض و عدم هماهنگی قوانین وجود دارد.

دوم آنکه: متهم قادر به پرداخت مصارف وکیل نباشد.^۱

^۱ قسمت (د) بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ قسمت (ج) بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی.

قوانین ملی نیز این اصل را در موارد مختلف برسمیت شناخته است از جمله میتوان به فقره سوم ماده ۳۱ قانون اساسی اشاره نمود که در زمینه چنین تصریح نموده است: "دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید"

بمنظور تطبیق این حکم، ماده سوم قانون وکلای مدافع وزارت عدلیه را مکلف نموده است تا در قضایای جنائی برای اشخاص بی بضاعت در هر مرحله از تعقیب عدلی مساعد حقوقی تعیین نماید.

ظاهراً این اصل با اصل قبلی در تطابق نیست، اما ماده دهم قانون اجراءات جزائی جدید با تصریح بر این نکته که تعیین مساعد حقوقی "به موافقه" شخص بی بضاعت صورت میگیرد، یکنوع هماهنگی میان این دو اصل برقرار نموده است.

مقرره مساعدهای حقوقی در فقره دوم ماده ۱۲ خود برای شخص بی بضاعت حق عزل مساعد حقوقی را اعطاء نموده است .

۳. ماهر و باتجربه بودن وکیل

بدیهی است که اگر وکیل مدافع صفت فوق را نداشته باشد نمی تواند دفاع مناسب و مؤثری از متهم بنماید. نهادهای نظارتی بین المللی و منطقه ای نیز بر وجود صفات فوق برای وکیل تأکید کرده اند. در این راستا کمیته حقوق بشر، کشورها را اکیداً به انجام اقداماتی جهت حصول اطمینان از اینکه مشاور حقوقی تعیین شده، نمایندهی مؤثری برای متهم باشد، ملتزم می کند (قضیه پاول کلی علیه جامائیکا).

کمیسیون اروپایی حقوق بشر هنگام تفسیر حق مشاوره حقوقی به موجب کنوانسیون اروپایی معتقد است که برای یک کشور این کافی نیست که وکیل مدافع تسخیری برای متهمی تهی دست تعیین کند. آن کشور علاوه بر اینکه ملزم است وکیلی باتجربه تعیین کند، متعهد است بررسی نماید که آیا این وکیل وظایف خود را به بهترین وجه انجام داده است یا خیر، در صورت لزوم، مقامات باید بر مشاور حقوقی نظارت کنند، او را تعویض کنند یا وی را وادار به انجام وظایف خویش به نحو احسن کنند.

در قضیه‌ای مطروحه نزد محکمه اروپایی حقوق بشر، محکمه یکی از کشورها، علیرغم شکایات متهم مبنی بر عدم انجام وظایف توسط وکیل تسخیری، از تعویض او خودداری کرده بود. محکمه اروپایی اعلام کرد که کشور مزبور با قصور در تعویض وکیل تسخیری، متقاضی را از حق داشتن وکیل مدافع، محروم کرده است.^۱

در قوانین ملی کشور نیز یکسلسله تدابیری اتخاذ شده است تا رعایت این اصل را تضمین نماید. ماده ششم قانون وکلای مدافع فراغت از پوهنحی‌های حقوق یا شرعیات، سپری نمودن دوره ستاژ و یا خدمت بالفعل به مدت سه سال در رشته‌های مسلکی قضاء، حارنوالی و عدلیه، را از شرایط اشتغال پیشه وکالت خوانده است. بالای فارغین مدارس دینی رسمی کشور یا معادل آن شرط گذاشته است تا علاوه بر تکمیل دوره ستاژ برای مدت حداقل سه سال تحت نظر یکی از وکلای مدافع دارنده جواز، شغل وکالت را انجام داده باشد.

۴. فوری بودن برخورداری از وکیل

در این اصل آمده است که: دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که کلیه افراد دستگیر و بازداشت شده با اتهام یا بدون اتهام جزایی، فوراً به وکیل مدافع دسترسی داشته باشند. در هر صورت طول مدت نباید بیش از ۴۸ ساعت پس از دستگیری و بازداشت باشد. کمیته حقوق بشر نیز بر فوری بودن این حق تأکید کرده است.^۲

از عبارت فوق آشکار می‌گردد که حق برخورداری از وکیل، اختصاص به جلسه محاکمه ندارد بلکه از لحظات آغازین گرفتاری شروع می‌شود.

^۱ - صابر نیاورانی، حقوق بشر و بازداشت پیش از محاکمه، مرکز حقوق بشر سازمان ملل، ژنو، شاخه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، ص ۵۲.

^۲ Concluding Observations of the HRC: Georgia, UN Doc. CCPR/C/۷۹/Add.۷۴, ۹ April ۱۹۹۷, Para. ۲۸, Cited in:

Amnesty International, OP. Cit. P. ۱۳.

در قضیه ترگریدین علیه فدراتیو روسیه، متهم ادعا کرد که تا ۵ روز پس از دستگیری به وکیل دسترسی نداشته است در حالی که وی در آن مدت مکرراً مشاوره وکیل مدافع را درخواست کرده بوده است. کمیته حقوق بشر این محرومیت را نقض قسمت (ب) بند ۳ ماده ۱۴ میثاق دانست.^۱

محکمه اروپایی حقوق بشر اظهار نظر کرده است که: ماده ۶ کنوانسیون اروپایی اقتضاء دارد که متهم از معاضدت وکیل مدافع از همان مرحله نخستین تحقیقات پولیس بهره‌مند شود.^۲

در حقوق ملی نیز در قوانین مختلف روی این اصل تأکید صورت گرفته است. قانون اساسی در ماده ۳۱ تصریح نموده است که هر شخص حق دارد "بمجرد گرفتاری" برای خود وکیل مدافع انتخاب نماید. همچنان ماده مذکور برای متهمین حق داده است که "بمجرد گرفتاری" از اتهام منسوب به خویش اطلاع حاصل نمایند.

ماده دوم قانون وکلای مدافع برای تمام اشخاص و ماده نهم قانون اجراء جزائی برای مظنونین و متهمین حق میدهد تا در هر مرحله از مراحل تعقیب عدلی از حق دفاع بهره‌مند باشند. ماده سوم قانون وکلای مدافع عین حکم را در خصوص دسترسی به مساعده‌های حقوقی رایگان مقرر میدارد.

برای تأمین بیشتر این حق، ماده دهم قانون وکلای مدافع ضمن بیان حقوق وکلای مدافع در فقره دوم خود "اشتراک در تمام مراحل کشف، تحقیق و محاکمه" را از حقوق وکیل مدافع خوانده است و در فقره سوم همین ماده "اطلاع از جریان کشف، تحقیق و محاکمه مؤکل و نتایج آن" را به مثابه حق دیگر وکلای مدافع برشمرده شده است.

۵. مصونیت وکلا در برابر هر نوع ترس و تهدید

در این بند مقرر شده است: دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که وکلا قادر به ایفای وظایف مسلکی خویش، بدون هرگونه تهدید، ارباب، ممانعت و دخالت نادرست هستند.

^۱ مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش علمی قضات ایران و اروپا، پاورقی (۳۲)، ص ۱۰۱.

^۲ آشوری، دکتر محمد و همکاران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، ص ۳۵۵.

در قضیه ترگریدین علیه فدراتیو روسیه، که در گذشته از آن یاد شد، شاکی مدعی شد که بدلیل ناتوانی محکمه در کنترل فضای خصمانه و فشار ایجادشده از سوی عموم مردم در محکمه، پرسشگری متقابل و مناسب از شهود و رایه دفاع از متهم برای وکیل مدافع، ناممکن شده بوده است. کمیته حقوق بشر این مورد را هم تخلف از بند ۳ ماده ۱۴ دانست.

کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر از جمله موارد نقض حقوق بنیادین بشر را هنگامی دانست که وکلایی که مسؤولیت دفاع از متهمین سیاسی را به عهده می گیرند، مورد تهدید و ارباب واقع شوند و یا جواز وکالت آنان ضبط یا لغو گردد.

در موارد بدرفتاری و اهانت به وکلا، بازداشت شدن، ناپدید شدن یا کشته شدن آنان، همین قضیه به طریق اولی صادق خواهد بود.

په در حقوق ملی کشور نیز یکسلسله تدابیری در راستای مصوونیت وکیل مدافع اتخاذ شده است از جمله میتوان به "محریمت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل" مدافع او که در ماده ۳۱ قانون اساسی و فقره ۵ ماده ۱۰ قانون وکلای مدافع، ذکر شده است یاد نمود. همچنان ماده ۱۱ قانون وکلای مدافع در قسمت مصوونیت وکیل مدافع و دفتر وی میگوید: "وکیل مدافع و دفتر وی از تعرض مصوون بوده، هیچ شخص به شمول دولت نمیتواند در امور آن مداخله یا مانع انجام وظیفه اش گردد". از همه مهمتر اینکه ماده ۳۷ قانون وکلای مدافع به گونه خاص وزارت امور داخله را مکلف ساخته است تا "جهت تأمین امنیت و حفاظت دفاتر انجمن وکلای مدافع تدابیر لازم را اتخاذ نمایند"

۶. مصوونیت وکلا از تعقیبهای مدنی و جزایی در قبال اعمال حرفه‌ای (مسلکی) خویش این اصل می گوید: وکلا در برابر اظهاراتی که با حسن نیت، به طور کتبی یا شفاهی، جهت محاکمه یا در خلال حضور حرفه‌ای خود در محکمه و یا سایر مراجع حقوقی یا در مقابل مقامات اداری ابراز می نمایند از مصوونیت مدنی و جزایی برخوردار خواهند بود.

طبق حقوق ملی، وکلای مدافع در خصوص اعمال مرتبط به حرفه خویش از تعقیب مدنی و یا جزائی کاملاً مصوّون نیستند اما مسؤولیت ایشان بشکل محتاط تنظیم شده است که خود یکنوع حمایت را برای ایشان فراهم نموده است. در این خصوص فقره اول ماده ۲۸ قانون وکلای مدافع موارد درخواست جبران خساره از وکیل مدافع را منحصر ساخته است به موارد آتی:

- تجاوز از حدود وظایف قانون؛

- سهل انگاری در امور؛

- ارتکاب سایر اعمالی که موجب ضرر به مؤکل گردد؛

جزء اول، یعنی وظایف قانونی وکیل مدافع، علاوه بر رعایت احکام قانون، به ویژه موارد هفده گانه ماده ۱۳ قانون وکلای مدافع، رعایت احکام قرارداد را نیز دربر میگیرد، زیرا در ماده ۱۲ قانون وکلای مدافع تنظیم رابطه وکیل با مؤکل را به قرارداد واگذار نموده است سپس در فقره ۲ ماده ۱۳ وکیل مدافع را مکلف به "اجرای امور وکالت با صداقت وایمان داری و احترام به حیثیت اشخاص نموده است".

جزء دوم، یعنی سهل انگاری در امور، شامل تخطی های غیرعمدی را که ناشی از تقصیر است دربر میگیرد.

جزء سوم، یعنی ارتکاب سایر اعمالی که موجب ضرر به مؤکل گردد، تأکید به همان قاعده حقوق مدنی مینماید که هر عمل مضر، باید جبران گردد.

ناگفته پیداست که اثبات خطای وکیل مدافع، ضرر و رابطه سببیت طبق قواعد حقوق مدنی بدوش مؤکل است زیرا تعهد وکیل از نوع بذل سعی و تلاش است نه تحقق نتیجه مگر اینکه در قرارداد بردن قضیه به نفع مؤکل را متعهد شده باشد.

در فقره دوم همین ماده، یعنی ماده ۲۸ قانون وکلای مدافع، مراجعه مؤکل به محکمه مقید به "قصدی بودن عمل مضر وکیل مدافع" گردیده است که مشکل ساز است. گویا در ضررهای ناشی از تخطی های غیر قصدی مؤکل به محکمه شکایت نمیتواند.

این بند ظاهراً با قواعد حقوق مدنی که ضررهای ناشی از تقصیر و غفلت را قابل جبران میداند، انطباق ندارد.

از جانب دیگر ماده ۲۷ قانون وکلای مدافع برای پیگیری تخلفات وکیل مدافع که مرتبط به اجرای وظیفه میباشد، تدابیر حمایتی را پیش بینی نموده است طوریکه شکایتهای مؤکلین ویا مراجع مربوطه نخست باید به خود انجمن مستقل وکلای مدافع تقدیم گردد. انجمن مستقل وکلای مدافع موضوع را بررسی نموده در صورتیکه تخلفات تأدیبی باشد حسب لزوم به توصیه، اخطار، منع فعالیت ویا سلب جواز وکیل متخلف تصمیم اتخاذ مینماید. هرگاه تشخیص دهد که تخلف جنبه جزائی دارد میتواند قضیه را به حارنوالی ارجاع نماید. حتی طبق صراحت فقره اول ماده ۴۴۴ قانون جزا اگر خصوم به اندازه که دفاع ایجاب کند دشنام دهند تحت تعقیب قرار نمیگیرند. در این مورد خوب بود که رویه قضایی کشور معیار دشنام مربوط به دفاعیه (مجاز) و غیر مجاز را ایجاد میکرد، ولی متأسفانه وجود ندارد.

آیا قضایای جزائی لزوماً باید همینگونه پیگیری گردد؟ ویا حارنوالی به شکایتهای مستقیم ترتیب اثر میدهد؟

۷. برچسب نخوردن وکیل

منظور از اصطلاح برچسب یا مارک نخوردن وکیل آنست که نباید وکیل را به این دلیل که از یک متهم دفاع می‌کند، طرفدار وی دانست و اتهام وی را به وکیل هم نسبت داد. سند اصول اساسی نقش وکلا درباره این اصل مقرر می‌دارد:

وکلا نباید به لحاظ انجام وظایف‌شان با موکل یا موکلین هم‌سو دانسته شود. کمیسیون بین آمریکایی معتقد است که نسبت دادن اعمال غیرقانونی موکل (متهم) به یک وکیل مدافع، خطر و تهدید در تطبیق آزادانه مسلک حقوقی و تخطی از تضمینات اساسی اداره عدلی و جریان مربوط آن، یعنی حق دفاع است.

گزارشگر خاص ملل متحد در امور مربوط به استقلال قضات و وکلا ابراز نگرانی کرد که در ایرلند شمالی، پولیس وکلایی را که دفاع از افراد متهم به تروریزم را به عهده گرفته بودند، با آنان هم‌سو دانسته و از اینرو در روابط بین وکیل و موکل، در هنگام تحقیقات مداخله نموده و در صداقت و اعمال حرفه‌ای وکلا تردید نشان داده بودند. گزارشگر خاص نتیجه گرفت که تعذیب و تخویف وکلا توسط افسران پولیس متواتر و سازمان یافته بوده است.

وی افزود که قتل یک وکیل مدافع که دفاع از متهمین جرایم تروریستی را به عهده داشت و در زمان تحقیقات راجع به موکلین اش، از طرف مقامات امنیتی تهدید شده بود اثر خوفناکی بر مسلک وکالت گذاشته و اعتماد مردم را به نظام حقوقی بیشتر خدشه‌دار ساخته است.^۱

در حقوق ملی نیز این اصل پذیرفته شده است، مواد ۲۵، ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی که به ترتیب اصل برائت الذمه، اصل شخصی بودن جرم و اصل قانونیت جرم و جزا را مقرر میدارند همه مستلزم "برچسپ نخوردن وکیل مدافع" اند.

از جانب دیگر، ماده ۳۱ قانون اساسی دسترسی به دفاع را از حقوق اساسی اتباع خوانده است، و دولت را مکلف نموده است تا برای اشخاص بی بضاعت وکیل مدافع فراهم نماید و قانون وکلای مدافع در ماده ۱۳ خود اجرای وکالت را از وجایب وکیل مدافع شمرده است. مشروعیت وکالت دفاع خود مستلزم اصل "برچسپ نخوردن وکیل مدافع" است.

۸. محرمانه بودن مکالمات وکلا با موکلین خویش

این حق، محرمانه بودن هر نوع ارتباط بین وکیل و موکل، شامل گفتگو، مکاتبه و مکالمات تلفنی را در برمی گیرد، بنابراین هر نوع ارتباط بین آندو باید بدون هیچ نوع مداخله، جلوگیری یا سانسور صورت گیرد. مصاحبه‌های میان فرد بازداشت شده یا زندانی و وکیل قانونی وی می‌تواند در معرض دید ضابطین قانون باشد اما نباید در محدوده شنود مأموران یادشده باشد. همینطور تماس‌های میان فرد بازداشت شده یا

^۱ راهنمای محاکمات عادلانه سازمان عفو بین‌الملل، همان، ص ۸۵.

زندانی و وکیل قانونی وی، نباید به عنوان مدرکی علیه متهم به کار رود مگر آن که با استمرار یا طرح ریزی جنایتی مرتبط باشد.^۱

توقیف خانه‌ها باید اتاق‌های ویژه‌ای را جدا از اتاق‌های ملاقات عمومی، در اختیار مشاوران و افراد بازداشت شده قرار دهد. در این اتاق‌ها باید امکان ارتباط محرمانه و رو در رو وجود داشته باشد و وسایل مناسب برای بازدید (میز و چوکی) نیز فراهم باشد.^۲

کمیته حقوق بشر نیز در تفسیر کلی شماره ۱۳ خود بر میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بر محرمانه بودن ارتباط متهم و وکیل مدافع تأکید کرده است.^۳

قوانین افغانستان حق بهره‌مندی از وکیل مدافع برای متهم را صراحتاً پذیرفته است. همچنین بسیاری از اصول حاکم بر وکالت را نیز بیان داشته است.

در این رابطه ماده ۳۱ قانون اساسی تصریح می‌کند: هر شخصی می‌تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند...

دولت در قضایای جنایی برای متهم بی‌بضاعت وکیل مدافع تعیین می‌نماید. محرمیت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن، از هر نوع تعرض مصون می‌باشد.

قانون اجراءات جزایی در بند ۸ ماده ۷ «تعیین وکیل مدافع یا داشتن مساعده حقوقی» را به عنوان یکی از حقوق مظنون و متهم به رسمیت شناخته است. اما در این جا نگرانی ای که وجود دارد این است که قانونگذار عبارت «تعیین وکیل مدافع» را به کار برده است. به این معنا که محکمه فردی را به عنوان وکیل مدافع برای متهم تعیین می‌کند. اگر این عبارت در همسویی با اسناد بین‌المللی تعبیر نشود ممکن است با حق انتخابی بودن وکیل مدافع در تعارض قرار گیرد.

^۱ مجموعه اصول برای حمایت همه افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان (اصل ۱۸)، در: دادگستری استاندارد در اسناد بین‌المللی، همان، صص ۷۴-۷۵.

^۲ حقوق بشر و بازداشت پیش از محاکمه، همان، ص ۵۳.

^۳ cit. P. ۱۳۷. Concluding Observations of the HRC, OP.

همانطور که اشاره شد، در قوانین افغانستان، نفس حق بهره‌بندی از وکیل مدافع به رسمیت شناخته شده است. همچنین عبارات بکاررفته در قوانین فوق‌الذکر حاکی از آن است که بسیاری از اصول حاکم بر وکالت هم مورد تأیید تدوین کنندگان قوانین افغانستان قرار گرفته است.

به عنوان نمونه عبارت «هر شخص می‌تواند ... وکیل مدافع تعیین کند.» در ماده ۳۱ قانون اساسی اشاره به لزوم منتخب بودن وکیل از سوی متهم دارد زیرا عبارت فوق به این معنا است که متهم می‌تواند از میان وکلای یکی را برای خودش به عنوان وکیل مدافع تعیین کند.

عبارت «به مجرد گرفتاری» در ماده ۳۱ قانون اساسی اشاره به فوری بودن حق بهره‌مندی از وکیل مدافع دارد. لزوم محرمانه‌بودن مکالمات وکیل با موکل هم صریحاً در ماده ۳۱ قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است.^۱

گفتار دوم: اصول اخلاقی حاکم بر وکالت دفاع:

الف: اصول مرتبط با شخص وکیل مدافع و مسلک وکالت

۱. استقلال و آزادی برای دفاع و مشاوره با موکل:

مساله استقلال مسلک وکالت از دو جهت قابل توجه می‌باشد. اولاً از جهت استقلال و آزادی شخص وکیل در انجام امورات مسلکی خویش. ثانیاً از جهت استقلال انجمن وکلای مدافع. که البته این دو استقلال ارتباط نزدیک و پیوسته ای با یکدیگر دارند. ذیلاً ابتدا به مساله استقلال وکلا، متعاقباً به استقلال انجمن می‌پردازیم.

- استقلال وکلا

^۱ علامه، غلام حیدر، حق دفاع متهم در اسناد بین‌المللی و قوانین افغانستان، عدالت جزایی در افغانستان، ص ۱۱۱ تا ۱۴۹.

وکیل باید از نظر سیاسی، اقتصادی، معنوی در ایفای وظایف و رسالت وکالتی و نمایندگی موکلش آزاد باشد؛ و این بدین معناست که وکیل می باید از دولت و منشاء قدرت مانند نهادهای قدرت سیاسی و اقتصادی و محلی به دور و مستقل باشد. از سوی دیگر وکیل شخصاً خود نیز، نباید استقلالش را در پی فشارهای ناروا یا به هر دلیل دیگری به خطر اندازد. به همین شکل، وکیل باید در مقابل موکل نیز مستقل بماند. بنابراین موضوع استقلال در وکالت از دو جهت قابل ملاحظه می باشد. اولاً اینکه نفس حرفه وکالت باید مستقل از هر گونه فشار باشد و ثانیاً اینکه خود وکیل این استقلال ذاتی خویش را در امر وکالت، خدشه دار ننماید.

در حقیقت، بدون استقلال، تضمینی بابت کیفیت کاری وکیل وجود نخواهد داشت. شرایط عضویت در یک حرفه آزاد و قدرت برتر ناشی از این وضعیت در حفظ استقلال یاری می رساند و انجمن‌های وکلای مدافع باید نقش به سزایی در راه حفظ و تامین این استقلال بازی کند. تنظیم و تنسيق امور و قواعد توسط خود مسلک و حرفه جهت تامین این استقلال حیاتی است. بدیهی است که در جوامع غیر آزاد وکلا ضمانت دفاع تمام عیار از موکل خود را ندارند و در این راه شاید با مواردی از زندان و مرگ نیز آشنا گردند.

این مساله از هر دو جهت (استقلال ذاتی وکالت و مستقل عمل نمودن خود وکیل) خوشبختانه در منابع داخلی و خارجی، راجع به وکلا و وکالت، بارها مورد تاکید قرار گرفته است. بدین صورت که در ماده یازدهم قانون وکلای مدافع صراحتاً به مصونیت وکلا از مداخله اعم از دولتی و شخصی اشاره نموده است. « وکیل مدافع و دفتر وی از تعرض مصوون بوده، هیچ شخص به شمول دولت نمی تواند در امور آن مداخله یا مانع انجام وظیفه اش گردد، مگر به حکم قانون.» در اساسنامه انجمن مستقل وکلای مدافع نیز، « حفظ و دفاع از استقلالیت وکلای مدافع و منافع صنفی آن»^۱ بعنوان یکی از اهداف

^۱ - بند ۷ ماده ۲ اساسنامه انجمن مستقل وکلای مدافع.

اساسی انجمن وکلا، شناخته شده است. در نهایت ضمیمه شماره (۱) اساسنامه که در مورد طرز سلوک و رفتار وکلای مدافع می باشد، نیز صریحاً بعد دیگر مساله استقلال را که مربوط به حفظ استقلال از سوی خود وکیل می باشد را مورد توجه قرار داده است. در این ضمیمه، نه تنها وکلا موظف به رعایت استقلال در امر وکالت شده اند بلکه حتی وکلا را مکلف نموده است که به دور از هر نوع تعصب نیز به امور وکالت بپردازند. « وکیل مدافع باید در وکالت و ارائه مشوره های حقوقی به صورت مستقل و عاری از فشارها و انواع تعصبات به وظیفه خویش بپردازد.»^۱ بنابراین چنانکه مشاهده می گردد، موضوع استقلال وکلا در هر سه منبع موجود انجمن وکلا از هر دو جهت مورد تاکید و اشاره قرار گرفته است که این امر در واقع ناشی از اهمیت مساله استقلال در امر وکالت دارد. همچنین این نکته قابل ذکر است که استقلال عضو یک سازمان یا نهاد و به طور مشخص در این جا استقلال انجمن وکلا، بستگی و ارتباط مستقیم با مستقل بودن به ذات خود نهاد، موسسه و انجمن دارد. که خوشبختانه این امر نیز نه تنها مورد توجه قرار گرفته شده است، بلکه به نحو احسن در منابع قانونی مورد اشاره قرار گرفته شده است. به طوری که نه تنها در "عنوان انتخابی انجمن" موضوع استقلال انجمن مورد تاکید قرار گرفته است بلکه در ماده ۴ فقره (۱) قانون وکلا، استقلالیت به انجمن اعطا گردیده است « (۱) به منظور تنظیم و رهبری امور مربوط به وکلای مدافع، انجمن وکلای مدافع به شکل مستقل و غیر دولتی تاسیس می گردد» همچنین این موضوع، صراحتاً در ماده ۳ اساسنامه انجمن مستقل وکلای مدافع نیز، مورد اشاره قرار گرفته شده است « انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان نهاد مستقل، غیر دولتی و غیر سیاسی بوده، منحصراً ممتثل وکلای مدافع در راه تحقق اهداف مندرج این اساسنامه، مطابق احکام قانون اساسی، قانون وکلای مدافع و سایر اسناد تقنینی فعالیت می نماید.» از جهت مقررات بین المللی نیز این مساله مورد توجه قرار گرفته شده است، به طوری که در متن طرز سلوک بین المللی اخلاقی انجمن

^۱ - ماده سوم ضمیمه شماره (۱) اساسنامه انجمن مستقل وکلای مدافع.

بین المللی وکلا، در مقدمه و به خصوص در بند سوم صراحتاً موضوع استقلال وکلا مورد توجه قرار گرفته شده است. « وکلا باید استقلال خود را در ادای وظایف حرفه ای حفظ کنند. وکلایی که به تنهایی و یا گروهی (در جایی که مجاز است) فعالیت می نمایند، باید از اشتغال و یا تجارت دیگری که ممکن است به استقلال آنان خدشه وارد آورد، احتراز نمایند»

- استقلال نهادی (خود گردانی و استقلال تقنینی)

از معایب جامعه غیر دموکراتیک این است که دولت، چه به صورت آشکار و چه به شکلی پنهانی، فعالیت ها و مسلک وکالت را تحت کنترل داشته باشد. اساساً دو روش برای تبیین قوانین مسلکی ممکن است: ۱- قانونگذاری توسط حکومت و ۲- استقلال وضع قواعد توسط خود نهاد ها. در برخی موارد، دولت با رسمیت بخشیدن به اصول بنیادین برای حمایت از آن شغل یا حرفه، قانون گذاری می کند. برای مثال، جهت فراهم آوردن پشتوانه قانونی برای اصل حفظ اسرار مسلکی و یا با اعطای قدرت قانونی به انجمن ها یا کانون ها جهت انشای قواعد حرفه ای. شورای انجمن های وکلای اروپا معتقد است تنها یک « خود نظام مندی» تمام عیار و کامل، ضامن استقلال مسلکی وکلا در مقابل حکومت خواهد بود. بدون تضمین استقلال، وکلا توان انجام رسالت مسلکی و حقوقی خود را نخواهند داشت. این مساله در سند اساسی انجمن یعنی اساسنامه انجمن، با صراحت و صلابت خاصی مطرح شده است، بر اساس این سند، « انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان نهاد مستقل، غیر دولتی و غیر سیاسی بوده، منحیث ممثل وکلای مدافع در راه تحقق اهداف مندرج این اساسنامه، مطابق احکام قانون اساسی، قانون وکلای مدافع و سایر اسناد تقنینی فعالیت می نماید» بنابراین بر اساس این ماده، چنین به نظر می رسد که رویکرد « استقلالیت » مورد توجه این اساسنامه بوده است. به خصوص با تعبیر مشخص « غیر دولتی و غیر سیاسی» بودن که دلالت صریح بر استقلال مندی مبتنی بر خود اتکایی،

انجمن دارد. این امر به گونه ای دیگر در قانون وکلای مدافع تبلور یافته است. بدین صورت که بر اساس ماده چهل و سوم این قانون، انحلال انجمن نه بر اساس خواست و اراده حکومت یا مقام سیاسی بلکه به حکم محکمه ذیصلاح صورت خواهد گرفت که این امر نیز دلالت خاص و آشکار به اصل استقلال ذاتی انجمن دارد. در اسناد بین المللی رفتاری وکلا نیز این اصل مهم مورد توجه بوده است و چنانکه در بحث اصل اول این نوشتار، اشاره گردید، موضوع استقلال وکلا صریحاً بعنوان اولین اصل مورد توجه بوده است. البته استقلال وکلا منوط و در ارتباط نزدیک با استقلال نهاد یا انجمنی است که فرد تعلق به آن دارد. بعبارت دیگر استقلال وکلا به نوعی نشأت گرفته از استقلال انجمن دارد. آنچه که در اسناد بین المللی رفتاری وکلا به نظر مفروض گرفته شده است.

۲. حفظ شأن و منزلت مسلک وکالت و پیروی از اصول:

برای انجام فعالیت های حرفه ای شایسته، وکیل باید پاسخ اعتماد موکل را با صداقت از خود بروز دهد؛ و این تنها با به عهده گیری امور وکالتی به نحو شرافتمندانه و غرورآمیز صورت خواهد گرفت. مسئله تنها انجام فعلی که شهرت کاری وی را به خطر اندازد نیست بلکه مسئله، اشتغال آبرومندانه وکلا و کسب اعتماد جامعه نسبت به این مسلک است.

این بدان معنا نیست که وکیل باید از هر جهت کامل و بی عیب باشد، اما انتظار می رود رفتاری شایسته و محترم داشته باشد چه در انجام امور حرفه ای و چه در زندگی خصوصی که در غیر این صورت می تواند موجب لطمه به شهرت حرفه ای او باشد. رفتار مخالف با شأن و احترام به حرفه وکالت می تواند منجر به تادیب و یا تعقیب عدلی وی نیز گردد.

موارد این اصل نیز در اسناد مربوط به وکلا صریحاً مورد اشاره و تاکید قرار گرفته است. به طوری که در بند ۲ ماده سیزدهم قانون وکلای مدافع بدین صورت مورد تاکید قرار گرفته است « اجرای امور وکالت با صداقت و ایمان داری و احترام به حیثیت اشخاص » همچنین در ماده شانزدهم این قانون، وکیل در

مراسم تحلیف خویش سوگند یاد می کند که شغل وکالت را با امانت و صداقت اداء و آن را حفظ نماید. همین مساله نیز در اساسنامه انجمن، بعنوان یکی از مهمترین اهداف انجمن در نظر گرفته شده است بدین صورت که انجمن در راستای « تشویق و کلای مدافع به خاطر حفظ حیثیت و وقار مسلکی، جلب اعتماد موکلین و مبارزه با هر نوع فساداداری» فعالیت خواهد نمود.^۱ چنانکه مشاهده می گردد در این بند به طور کاملاً صریح و واضح به مساله اهمیت وقار و حیثیت وکلا به طور جمعی اشاره شده است. چرا که این امر ارتباط مستقیمی با «اعتماد موکلین» نسبت به مسلک وکالت و در نتیجه جایگاه وکلا در جامعه خواهد داشت. در نهایت این مساله در مهمترین سند رفتاری وکلا یعنی ضمیمه شماره (۱) در مورد طرز سلوک و رفتار وکلای مدافع، با صراحت و تاکید خاصی در دو ماده بیان شده است. اولاً در ماده دوم به طور عام « وکیل مدافع مکف است حین عرضه خدمات حقوقی و مشوره، معیارهای مندرج قانون وکلای مدافع را در اعمال و کردار خود رعایت نماید.» ثانیاً بر اساس ماده بیست و پنجم این ضمیمه که تحت عنوان حفظ عزت و حرمت مسلک می باشد؛ بیان داشته است که « وکیل مدافع در اجرای تمام امور دفاع و ارائه مشوره حقوقی مکلف به حفظ عزت و حرمت مسلک خود می باشد.» بنابراین بر اساس این ماده، نه تنها وکلا نسبت به عزت و حرمت مسلک در کنار عزت و حرمت شخصی خویش واقف می گردند؛ بلکه حتی مکلف به حفظ آن در تمام امور دفاع و ارائه مشوره حقوقی می باشند.

در مقررات بین المللی رفتاری وکلا ۱۹۸۸، نه تنها وکلا موظف به حفظ عزت و جایگاه وکلا در امور وکالتی خویش شده بودند؛ بلکه حتی در زندگی خصوصی نیز به نوعی مکلف به پرهیز از رفتارهای شده بودند که منجر به بی اعتباری مسلک وکالت می گردید. « وکلا باید در همه حال عزت و جایگاه مسلکی خود را حفظ نمایند. آنها باید در کار مسلکی و همچنین در زندگی خصوصی، از هر گونه

^۱ - بند ۹ ماده دوم اساسنامه انجمن مستقل وکلای مدافع.

رفتاری که ممکن است منجر به بی اعتباری شغل وکالت شود پرهیز نماید.» و در سند بین المللی رفتاری ۲۰۱۱، در بند ۲ این سند، از وکلا خواسته شده است تا نهایت صداقت، امانت و بی طرفی خویش را در تمامی امورات مربوط به وکالت و ارتباطات مسلکی شان حفظ نماید. در واقع با حفظ این اصول نه تنها عزت و حرمت شخص وکیل رعایت می گردد، بلکه در نهایت، عزت و حرمت مسلک وکالت نیز حفظ خواهد گردید.

۳. مراعات و ایجاد رابطه همکاری:

این اصل معرف اهمیت نزاکت، اخلاق و رفتار سنجیده است که وکلای طرفین دعوی در مقام دفاع از موکلین شان در موضوعات متنازع فیه با آن برخورد می کنند. این اصل با نقش وکیل به عنوان واسطه ای که باید اطمینان در جهت بیان حقایق را به آن داشته باشیم، در ارتباط کامل است. اجرای مطلوب عدالت می طلبد که وکیل جهت فیصله امر مورد نزاع به روشی متمدانه، و حسن نیت خود را به طرف مقابل ثابت نماید. به همین شکل، به نفع عموم است که وکیل شجاعانه عمل کند و طرف مقابل را به اشتباه نیندازد. احترام متقابل میان همکاران روند دادرسی عادلانه را سهولت می بخشد و در منتهی شدن تعارضات به یک توافق و حصول منافع موکل موثر است. همچنین این روند همکاری، نه تنها بین وکلا مد نظر است بلکه شامل تمامی اشخاص و ارگانهایی می شود که وکیل به نوعی بر اساس مسلک خویش با آنان در ارتباط می باشد. همانند قضات، سارنوالان، پولیس و سایر کارمندان عدلی و قضایی. احترام متقابل در روابط همکاران از مهمترین مباحثی است که در اسناد داخلی مربوط به وکلا مورد تاکید و توجه قرار گرفته است: بدین صورت که بر اساس ماده سیزدهم قانون وکلای مدافع، "احترام به حیثیت اشخاص" بعنوان یکی از مهمترین وجایب وکلا مورد توجه قرار گرفته است، با توجه به متن این ماده و عبارت اشخاص در آن به کار رفته در این ماده، مطمئناً این احترام شامل هر شخصی اعم از موکل، قضات و سایر اشخاصی می گردد که وکیل بر اثر مسلک خویش با آنان در ارتباط می باشد. این

اصل البته که در روابط کاری بین وکلا در اولویت قرار خواهد گرفت. به خصوص با تصریحی که در بند ۸ همین ماده صورت گرفته است. بر اساس این بند وکلا از تبلیغات سوء علیه سایر وکلا باید خود داری نمایند. همین امر یعنی "رعایت معیارهای اخلاقی و مسلکی" در ماده ۸ اساسنامه انجمن نیز مورد تاکید و اشاره قرار گرفته است. این بند نیز در زمینه اطلاق و صراحت دارد و رعایت معیارهای اخلاقی و مسلکی شامل هر شخصی می‌گردد که وکیل محترم بر اساس مسلک خویش با آن ارتباط دارد. توجه به احترام در روابط کاری فی ما بین همکاران، به قدری دارای اهمیت بوده است که ضمیمه شماره (۱) اساسنامه انجمن، فصلی را برای روابط وکیل با محاکم و سایر وکلای مدافع اختصاص داده است. به خصوص ماده بیست و نهم این ضمیمه که بر اساس آن، « وکیل مدافع با تمام وکلای مدافع به عنوان همکار رفتار خوب نموده، اما نمی‌تواند منافع وکیل مدافع را بر منافع موکل خویش مقدم بداند.» رفتار خوب نمودن با سایر وکلا حکم اخلاقی است که در این ماده مورد توجه بوده است.

در اسناد بین‌المللی رفتاری وکلا نیز، این مساله مورد توجه قرار گرفته است؛ بر اساس بند ۴ مقررات بین‌المللی رفتاری وکلا (۱۹۸۸) صراحتاً ذکر شده بود که وکلا باید با همکاران مسلکی خود با حداکثر حسن نیت و خوشرویی رفتار نمایند. حتی این رابطه را در رابطه میان وکلای داخلی با وکلای خارجی نیز تصریح داده و اذعان نموده است که: وکلایی که با وکلای خارجی همکاری می‌کنند، باید در برخورد خود با آنها همانند همکاران داخلی، همیشه به نحوی عمل نمایند که همکار خارجی به آنها اعتماد کامل داشته باشد. بنابراین در این مورد مسولیت وی سنگین‌تر است، هم زمانی که مشوره می‌دهد و هم زمانی که دوسیه‌ای را بر عهده دارد. اما این مساله در اصول ده‌گانه مقررات بین‌المللی رفتاری وکلا (۲۰۱۱) صراحت خاصی ندارد.

۴. احترام به حاکمیت قانون و سهیم بودن در حسن اجرای عدالت:

یک بخش از رسالت وکیل را به عنوان فاعل در روند عادلانه عدالت توصیف کردیم. با نگاهی دیگر می‌توان وکیل را به شکل یک « رکن اصلی » یا « بازوی عدالت » توصیف کرد. یک وکیل هرگز نباید با سوء نیت محکمه را با اطلاعات نادرست یا متعجبه اشتباه گمراه نماید. از طرف دیگر نباید به اشخاص ثالث در رابطه به فعالیت های مسلکی خویش سخنی جز حقیقت بگوید. هرچند این ممنوعیت ها غالباً مانع حصول موکل به منافع مقطعی می‌گردد، اما رفع تعارض میان منافع موکل و عدالت از جمله مشکلاتی است که انتظار می‌رود توسط وکیل صورت گیرد. در واقع، وکیل نمی‌تواند موکلش را با موفقیت به ساحل امن برساند مگر اینکه قبل از آن، محاکم و اشخاص ثالث نقش وی را به عنوان بازیگر اصلی در روند محاکمه عادلانه حایز اهمیت بدانند و بتوانند به وی اعتماد کنند.

در اسناد داخلی مربوط به وکلا، توجه به حاکمیت قانون، سهم وکلا در اجرای عدالت مشخص و رفیع می‌باشد. به طوری که در قانون وکلای مدافع، آنهم در متن سوگند وکلا به اصل حاکمیت قانون و احترام به قوانین اشاره شده است. « به نام خداوند (ج) سوگند یاد می‌کنم که شغل وکالت دفاع را با امانت و صداقت اداء و اسرار آن را حفظ نمایم، احکام دین مقدس اسلام، قانون اساسی و تمام اسناد تقنینی نافذ دولت جمهوری اسلامی را رعایت و احترام نموده و به موکل خویش خیانت نمی‌نمایم.»^۱ در ماده سیزدهم این قانون که راجع به وجایب وکیل مدافع است در مواردی به طور کلی و پراکنده از وکیل خواسته شده است که به حاکمیت قانون احترام گذاشته شود همانند «رعایت نظم محاکم و سایر ادارات»^۲ و یا « جلوگیری از اعمالی که سبب معطل شدن بی‌موجب حکم محکمه و جریان تحقیق می‌گردد.»^۳ اساسنامه انجمن وکلای مدافع، خوشبختانه هر دو مساله یعنی حاکمیت قانون و عدالت را در

۱ - ماده شانزدهم قانون وکلای مدافع، ۱۳۸۶

۲ - بند ۳ ماده سیزدهم قانون وکلای مدافع، ۱۳۸۶

۳ - بند ۹ ماده سیزدهم قانون وکلای مدافع، ۱۳۸۶

متن خویش با صراحت خاصی بیان داشته است. آنهم در بند ۱ ماده دوم که مربوط به اهداف انجمن می باشد. در واقع این امر به نوعی حکایت از اهمیت و اولویت دهی این دو مساله در جایگاه اهداف انجمن داشته و دارد. « حمایت از تطبیق احکام دین مقدس اسلام و حاکمیت قانون و عدالت » در بند ۴ این ماده نیز به نوعی از نقش و اهمیت وکلا در دسترسی به عدالت، یاد شده است: « مساعد ساختن زمینه دسترسی به عدالت در محاکم و مراجع کشف و تحقیق از طریق عرضه خدمات حقوقی مناسب و معیاری » ضمیمه اساسنامه نیز با توجه به رویکرد و طرز سلوک که دارد به این اصل توجه نموده است به طور مثال بر اساس ماده بیست و هشتم این ضمیمه، وکیل مدافع از ارائه هر گونه اسناد نادرست به محکمه منع گردیده است. در واقع این امر نه تنها در تقابل و تضاد با اصل حاکمیت قانون می باشد بلکه، موجب تزلزل در جایگاه وکالت و وکیل بعنوان بال فرشته عدالت خواهد شد. بر همین اساس در این اساسنامه شدیداً از ارائه هر گونه سند نادرست منع شده است.

تفکر انتقادی

ماده ۳۹ ضمیمه اساسنامه انجمن، با عنوان مطابقت اعمال وکلا با معیارها، وکیل مدافع مکلف شده است حین انجام خدمات وکالت دفاع و ارائه مشوره حقوقی، اعمال خود را تنها یا صرفاً، با (معیارهای مندرج) احکام قانون وکلای مدافع و این اساسنامه موافق سازد. این در حالی است که ممکن است بر اساس مفهوم مخالف این ماده، چنین استنباط یا استدلال شود که با توجه به حصر و تاکید این ماده، وکیل تکلیفی در مطابقت اعمال با سایر معیارها همانند معیارهای حاکمیت قانون، نخواهد داشت. بنابراین به منظور جلوگیری از این تفسیر ناروا و همچنین با توجه به ایجاد هماهنگی با سایر اسناد مربوط به وکلا به خصوص ماده ۱۶ قانون وکلا که طبق آن وکیل به رعایت احکام تمامی قوانین اسلام و نافذ کشور،

تحلیف خویش را بجا می‌نماید، پیشنهاد می‌گردد در این ماده نیز علاوه بر معیارهای خاص مربوط به وکلا، سایر معیارهای ذکر شده نیز اضافه گردد.

اسناد بین‌المللی راجع به رفتار وکلا نیز در این خصوص، عبارات و تأکیدهای خاص خود را داشته و دارد. به طوری که در سند ۱۹۸۸ و در بند ۱۷، صریحاً از وکلا خواسته شده است تا « ضرورت اجرای عدالت را در اولویت امور خویش قرار دهند» و همچنین در بند ۶ این سند نیز، از رفتارهای که مخالف اصل حاکمیت قانون و همچنین جایگاه و نقش وکیل در عدالت دارد، بپرهیزند چنانکه در ذیل این بند قید شده است که « وکلا هرگز نباید آگاهانه به محکمه اطلاعات یا مشاوره نادرستی بر خلاف دانش حقوقی خود بدهند.» این اصول در سند ۲۰۱۱ نیز صریحاً مورد توجه قرار گرفته است. البته نه در اصول ده‌گانه این سند بلکه در مقدمه آن چنین ذکر شده است که، از وکلای محترم در سراسر جهان خواسته می‌شود همواره در راستای تحقق حاکمیت قانون سعی و تلاش نمایند.

۵. مهارت و تخصص مسلکی:

واضح است که وکیل برای پیشبرد رسالت حرفه‌ای و موفقیت خویش در امر مشاوره و دفاع از موکل باید از تخصص و مهارت مسلکی شایسته‌ای بهره‌مند باشد. قواعد حرفه‌ای به وضوح بیان می‌دارند که وکیل نباید دوسیه‌ای را به عهده بگیرد مگر اینکه برای به ثمر رساندن آن مهارت کافی را داشته باشد.

در اسناد داخلی مربوط به وکلا، این مساله با عبارات متفاوتی مورد توجه قرار گرفته است: قانون وکلا بعنوان مهترین سند حقوقی وکلا، به این مساله با اختصاص دادن شرایط خاص اشتغال به حرفه وکالت در ماده ششم در نظر گرفته است. علاوه بر موارد کلی همانند تابعیت و عدم محکومیت به جرم جنایت، داشتن سند فراغت در حقوق و شرعیات و همچنین سپری نمودن دوره معینه ستاژ بعنوان اصلی‌ترین شرایطی است که در این ماده مورد اشاره قرار گرفته است. در واقع در کنار تجربه‌ای که افراد در مسلک خویش به دست می‌آورند، برخورداری از زمینه‌های علمی به خصوص مسلکی همانند وکالت،

ضرورت اجتناب ناپذیر می باشد. بعبارت دیگر به تایید اکثر حقوقدانان و وکلای محترم، علم و تجربه در کنار یکدیگر باعث ایجاد مهارت و تخصص مسلکی در حرفه وکالت می گردد. بنابراین عدم برخورداری از هر کدام در واقع به منزله پرواز بایک بال خواهد بود. قانون وکلا نیز با ازعان به این امر خواسته است با شرط داشتن سند فراغت به بعد علمی این مساله توجه نماید و با سپری نمودن دوره ستاژ به نوعی خواسته است که به مساله ایجاد تجربه برای وکلا محترم جدید توجه نماید. اما به نظر می رسد این دوره قابل نقد باشد، بدین صورت که اگرچه هدف بُعد عملی مباحث یا مسائل حقوقی می باشد، با این وجود تا زمانی که خود فرد قدم در مراحل عملی نگذارد این امر آنچنان که باید حاصل نمی گردد. با این حال در برخی از کشورها شیوه معمول دیگری به منظور ایجاد ظرفیت یا تجربه برای وکلای جدید در نظر گرفته شده است که البته شیوه مناسبی به نظر می رسد. بدین صورت که بعد از فراغت و اخذ آزمون یا امتحان از داوطلبین این مسلک، در صورت پاس نمودن آزمون، آنان مکلف به سپری نمودن یک یا دو سال "دوره کارآموزی" در کنار یک وکیل برجسته و یا متجرب می باشند.

در اساسنامه انجمن وکلا، ماده دوم بند ۸، نیز رعایت معیارهای مسلکی بعنوان یکی از اهداف انجمن مورد توجه قرار گرفته است و بند ۱۱ همین ماده نیز انجمن را موظف نموده است تا بر مسلکی بودن فعالیتهای وکلا نظارت نماید.

ضمیمه شماره (۱) اساسنامه انجمن نیز، به مساله مهارت و تخصص به صورت واضح تر تاکید نموده است. بدین صورت که، بر اساس ماده هجدهم این ضمیمه « وکیل مدافع مکلف است وظایف خود را به صورت درست و به موقع انجام داده و قضایایی را که قادر به انجام آن نمی باشد، نپذیرد» بنابراین بر اساس این ماده، به طور کلی وکیل مکلف به انجام امور مربوط به وکالت به صورت درست و به موقع آن می باشد. مطمئناً انجام درست امور وکالت، منوط به داشتن مهارت و تخصص مسلکی در این امور می باشد. در رابطه با مشوره دهی نیز وضعیت همینگونه است، « وکیل مدافع وظیفه دارد به موکل خویش که خواهان ارائه مشوره می باشد نظر خویش را طور صادقانه مطابق تجارب، دانش مسلکی و

قوانین نافذه ارائه نماید.^۱ از طرف ديگر چنانچه دوسيه اى به وكيل محترم ارجاع داده شد كه نسبت به آن تجربه يا مهارت ندارد، اصول اخلاقي و مسلكى اين حرفه ايجاب مى نمايد تا فرد از پذيرش آن دوسيه خود دارى نمايد. در اين صورت نه تنها به اصول مسلك خویش احترام گذاشته است بلکه در واقع، از اعتبار يا كريدت شخصيتی و مسلكی خویش چیزی را کاهش نداده است. بعبارت ديگر چه بسا ممكن است فرد دوسيه مد نظر را بپذيرد اما با توجه به نداشتن مهارت و تخصص خاص در آن، خود از اعتبار شخصيتی و مسلكی خویش بکاهد.

در سند بين المللی رفتاری وکلا ۲۰۱۱، صلاحیت، شایستگی و یا قابلیت بعنوان اصل نهم این سند به رسمیت شناخته شده است بر اساس این اصل، امور مربوط به وکالت باید با شایستگی و قابلیت خاصی و در زمان مناسب آن باید مورد اجرا قرار گیرد. همچنین وکلای محترم نباید کاری را که به طور معقولانه باور دارند که قادر به انجام آن نمی باشند را، بپذیرند.

چنانکه مشاهده می گردد در هر دو سند داخلی و بین المللی راجع به وکلا، تاکید به داشتن مهارت و شایستگی در امور وکالت شده است و شدیداً از پذیرش اموری که شخص خود را معقولانه قادر به انجام آن نمی یابد باز داشته شده است.

ب: اصول مرتبط با موکل

۱. حفظ اسرار مسلكی و جنبه محرمانه اموری که به عهده دارند:

از جمله اصول اولیه و اساسی حرفه وکالت، مورد اعتماد بودن از طرف موکل است. مراجعه کننده، اطلاعات و اسرار محرمانه اى را که عموماً به ديگری منتقل نمی کند، در اختیار وكيل قرار می دهد. اطلاعاتی از نوع کاملاً شخصی یا اسرار تجاری با ارزش که بر پایه اطمینان دریافت می گردند. بدون یقین کامل از حفظ اسرار هیچ اعتمادی شکل نمی گیرد. حفظ اسرار، یگانه و تنها "وظیفه" وكيل نیست

^۱ - ماده پانزدهم ضمیمه شماره (۱) اساسنامه انجمن مستقل وکلای مدافع.

بلکه از سوی دیگر "حق" غیر قابل گذشت و اساسی موکل نیز هست. قواعد مربوط به اسرار حرفه ای استفاده از مکاتبات و روابط بین وکیل و موکل را علیه موکل مصوون می سازد. در برخی نظام های قضایی، تنها موکل است که از حق حریم مسایل خصوصی بهره مند می شود. در حالی که در دیگر نظام ها همانند افغانستان، بر عهده وکیل است که ارتباطات محرمانه وکیل طرف مقابل را نیز از موکل خود پنهان دارد. التزام به حفظ اسرار در قبال موکل حتی تا پس از اینکه وکیل به نام موکل فعالیت می کند ادامه خواهد داشت.

این مساله نیز با توجه به اهمیت اساسی و آثار آن در هر دو بُعد، مورد توجه اسناد تقنینی مربوط به انجمن وکلا قرار گرفته است. به طوری که در خصوص حفظ اسرار موکل از سوی وکیل، در ماده سیزدهم بند اول وجایب وکیل اختصاص داده شده است به مساله « حفظ اسرار موکل » همچنین در ماده شانزدهم همین قانون که اختصاص به سوگند وکیل دارد. نیز وکیل سوگند می خورد که اسرار را حفظ نماید و به موکل خویش خیانت ننماید. « به نام خداوند (ج) سوگند یاد می کنم که شغل وکالت دفاع را با امانت و صداقت اداء و اسرار آن را حفظ نمایم، احکام دین مقدس اسلام، قانون اساسی و تمام اسناد تقنینی نافذ دولت جمهوری اسلامی افغانستان را رعایت و احترام نموده و به موکل خویش خیانت نمی نمایم » این مساله که حفظ اسرار در سوگند وکیل و بعنوان اولین وجیبه وکیل مورد تاکید قرار می گیرد، در واقع خود گویای اهمیت این موضوع در جامعه و مسلک وکالت دارد. ماده یازدهم ضمیمه اساسنامه انجمن وکلا نیز حفظ اسرار را بعنوان یکی از وظایف یا مکلفیت های وکیل در روابط با موکل دانسته است. « (۱) وکیل مدافع مکلف به حفظ اسرار وظیفوی و انجام وظایف مسلکی و رعایت اخلاق مسلکی می باشد... ».

همچنین در بُعد دیگر مساله، که حفظ اسرار بین وکیل و سایر همکاران به خصوص وکلای دیگر می باشد نیز، فقره دوم ماده یازدهم ضمیمه شماره (۱) به آن صریحاً اشاره نموده است و وکلا را مکلف به حفظ اسرار همکاران خویش نموده است. « (۲) وکیل مدافع مکلف به حفظ اسرار همکاران، کارمندان،

و افرادی می باشد که در ارائه خدمات حقوقی ارتباط دارند.» همچنین در ماده سی همین ضمیمه به نوعی دیگر، وکیل مکلف به حفظ محرمانیت در خصوص موضوع یا قضیه با وکیل و موکل طرف مقابل، می باشد. « (۱) وکیل مدافع نمی تواند در مورد یک قضیه یا موضوع مشخص مستقیماً با شخصی که از وکالت یا مشوره وکیل مدافع دیگر در همان قضیه یا موضوع برخوردار است مکاتبه نماید. مگر به اجازه وکیل مدافع مذکور. (۲) هر گاه وکیل مدافع مکاتبه یا مراسله را به وکیل مدافع دیگر ارسال نماید و خواهان حفظ محرمانیت آن باشد مکلف است موضوع را به اطلاع جانب مقابل برساند، در این صورت وکیل مدافع دومی مکلف است تا محرمانیت آن را حفظ نماید.»

این مساله حفظ اسرار در مقرر طرز سلوک بین المللی برای وکلا نیز مورد توجه قرار گرفته است، به طوری که در بند چهارم این مقرر، به طور مشخص اشاره شده است .

۲. وقوف و جلوگیری از به وجود آمدن تعارض در منافع موکلین و همین طور بین موکل و شخص

وکیل:

برای انجام فعالیت حرفه ای خالی از سوء تفاهم و سرزنش، وکیل باید از وجود هر گونه تعارض در منافع اجتناب کند؛ بنابراین، وکیل نمی تواند برای دو موکل در یک قضیه اعلام وکالت نماید هنگامی که میان آن دو تعارض منافع یا احتمال بروز آن وجود داشته باشد. به همین ترتیب، جایز نیست وکالت فرد جدیدی را عهده دار گردد که اطلاعات محرمانه موکل دیگرش را - چه موکل فعلی و چه پیشین- در اختیار دارد.

همچنین، جایز نیست وکالت شخصی را به عهده گیرد که با او تعارض منافع دارد و اگر این تضاد در جریان نمایندگی اش از موکل به وجود آید باید بلافاصله به رابطه وکالتی اش با شخص اخیر پایان دهد. این اصل ارتباط تنگاتنگی با اصل حفظ اسرار موکل، استقلال و امانت حرفه ای دارد.

در این مورد فقره سوم ماد ۹ قانون اجراءات جزایی چنین حکم مینماید. «وکیل مدافع در عین قضیه می‌تواند از یک یا چند مظنون یا متهم دفاع نماید، مشروط بر اینکه میان مظنونین و متهمین تضاد منافع وجود نداشته باشد.»

توجه به منافع موکل نیز خوشبختانه صریحاً در اسناد مربوط به وکلا به خصوص در سند ضمیمه شماره (۱) در مورد طرز سلوک و رفتار وکلای مدافع، مورد اشاره قرار گرفته است. بدین صورت که ابتدأ در ماده دهم وکیل موظف به حفظ منافع موکل خویش می‌باشد و در ماده سیزدهم به مساله تعارض منافع می‌پردازد. بر اساس ماده دهم «وکیل مدافع مکلف است منافع موکل خود را به خاطر تامین عدالت، رعایت قانون و حفظ معیارهای اخلاقی، در نظر بگیرد.» بنابراین بر اساس این ماده در واقع به نوعی وکیل سوگند به «عدالت، قانون و معیارهای اخلاقی» داده می‌شود تا منافع موکل خود را حفظ نماید. و بر اساس ماده سیزدهم در صورت تعارض منافع «(۱) وکیل مدافع نمی‌تواند به موکل خود طوری مشوره دهد که با منافع او در تعارض واقع شود. (۲) هر گاه وکیل مدافع از قضیه موکل خویش آگاهی داشته باشد نمی‌تواند اسرار موکل مذکور را در بدل دریافت مال، خدمت یا منفعت به اختیار جانب مقابل یا شخص دیگری قرار دهد و یا از او نمایندگی نماید. (۳) وکیل مدافع می‌تواند در صورتی که تعارض منافع مندرج این ماده و یا خطر نقض اعتماد موجود باشد یا استقلال او صدمه ببیند از ادامه وکالت دفاع امتناع ورزد.» بنابراین بر اساس این ماده در صورت تعارض منافع بین وکیل با منافع موکل به هر نحوی، اولاً در هر حال وکیل موظف و مکلف به حفظ منافع موکل خویش می‌باشد و در واقع به نوعی باید منافع موکل در اولویت قرار بگیرد. بر همین اساس است که فقره (۱) این ماده، وکیل از ارائه مشوره ای که منافع موکل را با خطر یا تعارض مواجه می‌سازد، منع گردیده است. ثانیاً در صورتی که تعارض منافع ایجاد گردید، به خاطر اینکه ممکن است اصل اساسی استقلال وکیل زیر سوال برود و در نتیجه باعث سلب اعتماد بین این دو گردد، در نتیجه، وکیل خود برای حفظ اصل حفظ منافع، می‌تواند در انحلال رابطه وکالت پیش قدم گردد، و در نهایت، چه در دوران وکالت و چه در

دوران پس از وکالت، نمی‌تواند اسرار موکل خویش را در بدل دریافت مال، خدمت یا منافع به اختیار جانب مقابل یا شخص دیگری قرار دهد و یا از او نمایندگی نماید.

سوال: با توجه به نگارش فقره (۲) ماده سیزدهم ضمیمه، آیا می‌توان چنین استدلال نمود که حفظ و نگهداری اسرار موکل تنها مشمول دوران وکالت می‌گردد یا خیر؟

پاسخ احتمالی: ممکن است برخی چنین استدلال نمایند که، با توجه به نوع خاص نگارش این ماده به خصوص اینکه اشاره به « وکیل مدافع از قضیه موکل خویش آگاهی داشته باشد» چنین استدلال نماید که این فقره تنها مشمول دوران وکالت می‌گردد و شامل دوران پس از وکالت نمی‌گردد. اما به نظر می‌رسد این استدلال صحیح نباشد. به خصوص با توجه به اطلاق ماده دهم در خصوص منافع موکل که بر اساس آن فقره، وکیل مکلف به حفظ منافع موکل خویش می‌باشد. از سوی دیگر به کار رفتن عبارت یا واژه وکیل و موکل دلالت بر انحصار در دوران وکالت را ندارد. عبارت دیگر رابطه وکالت متفاوت از به کار بردن عبارت یا واژه وکیل و موکل دارد. بدین صورت که پس از پایان رابطه وکالت، ممکن است هر یک از طرفین بعنوان وکیل و موکل شناخته شوند. در عرف نیز حتی پس از دوران وکالت وکیل بعنوان وکیل و موکل هم بعنوان موکل ممکن است یاد گردد.

فعالیت شماره (۲)

تفکر انتقادی و تحلیل قانون:

فقره سه ماده سیزدهم، به گونه ای نگارش یافته است که در صورت تحقق تعارض منافع، منافع وکیل در اولویت قرار گرفته و در نهایت با توجه به عبارت " می‌تواند" به کار رفته در این فقره، در واقع به وکیل اختیار نه تکلیف در انحلال رابطه وکالت داده شده است. این در حالی است که بر اساس اصول اخلاق مسکلی در موارد تعارض باید منافع موکل در اولویت قرار گیرد نه منافع وکیل. این امر در بند ۱۷ مقررات ۱۹۸۸ بین المللی طرز سلوک وکلا صریحاً مورد اشاره قرار گرفته است « وکلا هرگز نباید فراموش کنند

که آنها باید منافع موکل خود و ضرورت اجرای عدالت را در اولویت خود قرار دهند نه حقوق خود نسبت به خدمات حقوقی..» همچنین همین رویکرد در مقررہ ۲۰۱۱ بین المللی طرز سلوک وکلا، در بند ۵ آن مورد تاکید و اشاره مجدد قرار گرفته است به طوری که « وکیل باید به گونه ای رفتار نماید که منافع موکل همواره در اولویت قرار گیرد...»

۳. اصل سوم_ امانت در قبال موکل:

این اصل نیز بعنوان یکی از مهمترین جلوه های اخلاقی مسلک وکالت به شمار می رود. بدین صورت که ممکن است به هر نحوی همانند قرارداد یا وصیت، اموال یا پول موکل در اختیار وکیل قرار داده شده باشد، در این صورت در واقع همانند امین صادق باید در قبال حفظ اموال یا پول موکل مسولیت داشته باشد. برخی از حساس ترین جنبه های قواعد اخلاق مسلکی، از تعامل میان اصول حفظ امانت و اصول شرافت حرفه ای، منزلت و حفظ اصول همکاری و خصوصاً مراعات قوانین موضوعه و سهیم بودن در روند شایسته عدالت بر میاید.

این اصل در اسناد و مقررات مربوط به وکلا در برخی موارد به صراحت اشاره شده است و در برخی از اسناد متاسفانه توجه خاصی به آن نشده است. به طور مثال در قانون وکلای مدافع که مهمترین سند تقنینی وکلای مدافع محسوب می گردد، متاسفانه این مساله چنانکه باید مورد توجه واقع نگردیده است. به طوری که ماده سیزدهم این قانون که مربوط به وجایب وکیل می باشد؛ هیچ اشاره ای به مساله امانت داری وکلا در اینگونه موارد ننموده است. به خصوص بند ۶ این ماده که صرفاً اشاره به حفظ اوراق و اسناد موکل و استرداد اسناد و اوراق، ننموده است. شایسته بود که در همین بند علاوه به مساله اوراق و اسناد، عبارت " اموال یا وجه" نیز اضافه می گردید. همچنین در بند ۲ همین ماده نیز در کنار اجرای امور وکالت با صداقت و ایمان داری، چنانچه مساله امانت داری نیز اضافه می گردید، این امر خالی از لطف نمی بود.

البته خوشبختانه این خلا در سایر اسناد مربوط به وکلا رفع گردیده است. به طوری که در اساسنامه انجمن، در بند ۸ ماده دوم رعایت معیارهای اخلاقی و مسلکی به طور عام مورد اشاره و توجه این اساسنامه قرار گرفته است. و البته در ضمیمه شماره (۱) این اساسنامه، خوشبختانه با صراحت کامل ماده بیست و سوم به مساله امانت داری وکلا اشاره شده است. بر اساس این ماده « (۱) وکیل مدافع مکلف است از پول یا مال موجود در حساب موکل مطابق موافقتنامه نگهداری و مصرف نماید. (۲) وکیل مدافع مکلف است حسابات موکلین خود را طور جداگانه نگه داری نماید.» بنابراین بر اساس این ماده، وکیل محترم اساساً باید بین حسابات موکلین خویش تفکیک قائل شده و آنها را جداگانه نگهداری نماید. و در ثانی نه تنها مکلف به حفظ و نگهداری اموال و پول موکلین خویش همانند امین صادق می باشد؛ بلکه در صورت مصرف این وجوه یا اموال باید موافقت موکل خویش را اخذ نماید.

در مقررات بین المللی رفتاری وکلا (۲۰۱۱) نیز این مساله به وضوح و روشنی در بند هشتم آن مورد اشاره قرار گرفته است. بر اساس این بند، وکیل باید در حفاظت از اموال موکل خویش، متوجه بوده و این اموال از اموال شخصی خویش باید تفکیک نماید.

۴. حفظ نزاکت و انعطاف در خصوص حق الزحمه:

حق الزحمه یا حق الوکاله و دیگر دریافت های وکیل از موکل باید کاملاً روشن و خالی از ابهام باشد. با توجه به معیارهای قانونی و قواعد مسلکی وکالت، میزانی منطقی و متعارف داشته باشد. همان طور که قوانین مربوط به حرفه وکالت اهمیت اجتناب از بروز تعارض منافع را فی مابین وکیل و موکل به وضوح روشن نموده، مسئله حق الوکاله نیز موضوعی خطر ساز است؛ بنابراین، این اصل حاکی از نیاز مبرم وجود قواعد مسلکی برای جلوگیری از اخذ مبالغ گزاف از موکل است. به نظر می رسد مهمترین علت حق الزحمه مناسب این است که این امر باعث فراهم آوردن زمینه مناسب دسترسی به عدالت از طریق عرضه خدمات حقوقی مناسب توسط وکلا در سطح جامعه خواهد شد. به خصوص در شرایط فعلی

که از یک سو مشکلات حقوقی فراوان در جامعه وجود دارد و از سوی دیگر دسترسی به عدالت با چالشها و موانع کلان مواجه می‌باشد.

در رابطه با حق الزحمه وکلا، اسناد مربوط به وکالت از جهات متفاوتی به آن اشاره نموده است. در قانون وکلای مدافع، اخذ حق الزحمه بعنوان یکی از حقوق وکیل مدافع در فصل سوم حقوق و وجایب وکلا مورد اشاره قرار گرفته است: « اخذ حق الزحمه از موکل در بدل انجام خدمات و مشوره‌های حقوقی مطابق طرزالعمل داخلی انجمن وکلای مدافع و توافق جانبین»^۱ اساسنامه انجمن وکلای مدافع از جهت دیگر به مساله حق الزحمه توجه داشته است؛ بدین صورت که، « مساعد ساختن زمینه دسترسی به عدالت در محاکم و مراجع کشف و تحقیق از طریق عرضه خدمات حقوقی مناسب و معیاری»^۲ بعنوان یکی از اهداف انجمن شناخته شده است. بر این اساس، ارائه خدمات حقوقی مناسب و معیاری، صرفنظر از مسلکی بودن خدمات حقوقی، در واقع مناسب بودن ارائه خدمات به نوعی از تباط مستقیم با حق الزحمه مناسب در این خصوص دارد؛ که در واقع حق الزحمه مناسب، خود زمینه ساز دسترسی به عدالت در محاکم و مراجع کشف و تحقیق خواهد شد. در این خصوص ضمیمه اساسنامه نیز، در ماده بیست و دوم به طور مفصل و مشروح به این مساله پرداخته است، اولاً « وکالت از موکل بر اساس موافقتنامه کتبی و در بدل پرداخت حق الزحمه معین در قرارداد صورت می‌گیرد»^۳ ب. در ثانی « اندازه حق الزحمه وکیل مدافع مشخص و عادلانه باید باشد» و ثالثاً، اندازه حق الزحمه وکیل مدافع مطابق رهنمود و مقررات انجمن تعیین و پرداخته می‌شود. بنابراین بر اساس این ماده، موافقتنامه ای مکتوب بین وکیل و موکل در خصوص حق الزحمه باید وجود داشته باشد، که همچنین در آن میزان حق الزحمه نیز باید کاملاً «مشخص و معین» شده باشد، علاوه بر مشخص و معین بودن، «عادلانه» بودن نیز

^۱ - بند ۷ ماده دهم قانون وکلای مدافع، ۱۳۸۶

^۲ - بند ۴ ماده دوم اساسنامه انجمن مستقل وکلای مدافع.

^۳ - فقره (۱) ماده بیست و دوم ضمیمه شماره (۱) اساسنامه انجمن وکلای مدافع در مورد طرز سلوک و رفتار وکلای مدافع.

ویژگی یا شرط دیگری است که در این ماده بدان اشاره شده است. عادلانه بودن حق الزحمه، آنهم از اشخاصی که در راستای تحقق عدالت فعالیت می نمایند، حداقل خواسته ای است که می توان از آنان انتظار آن را داشت. بر اساس فقره ۲ همین ماده، خوشبختانه انجمن مکلف به تهیه مقرره خاص برای حق الزحمه می باشد. منتها متأسفانه هنوز تحقق عملی نیافته است.

علاوه بر موارد کلی در اخذ حق الزحمه، با توجه به اصل اساسی دسترسی همگان به عدالت، ایجاب می نماید در مواردی که شخصی توان قرارداد با وکیل را ندارد؛ از دسترسی به عدالت نباید محروم گردد، بر همین اساس است که «تامین خدمات حقوقی رایگان به مظنونین و متهمین بی بضاعت مطابق احکام قانون» از وظایف و اهداف انجمن در اساسنامه شناخته شده است^۱. و در بند ۱۵ ماده سیزدهم قانون وکلای مدافع نیز به طور مشخص، از دفاع از سه قضیه جنایی طور رایگان در یکسال بعنوان وجایب وکیل مدافع شناخته شده است. صرفنظر از این ماده در ماده سی و دوم اساسنامه نیز، «دفاع از حقوق مظنون و متهم بی بضاعت طور رایگان طبق احکام قانون وکلای مدافع» بعنوان یکی از مکلفیت های عضو انجمن به رسمیت شناخته شده است.

فعالیت شماره (۳)

سوال مباحثوی:

ضمیمه اساسنامه، به "معین و عادلانه" بودن حق الزحمه وکلا اشاره نموده است، منتها متأسفانه با توجه به عدم وجود تعرفه رسمی مشخص در رابطه با حق الزحمه، معیارهای مشخصی که عادلانه بودن حق الزحمه را مشخص نماید، در اسناد داخلی مربوط به وکلای مدافع، در نظر گرفته نشده است که البته این امر خوشبختانه در مقررات بین المللی رفتاری وکلا در نظر گرفته شده است.

سوال: آیا امکان دارد وکیل به جای دریافت حق الزحمه، مال یا خدمت یا منفعت دیگری را مطالبه نماید؟

^۱ - بند ۱۳ ماده دوم اساسنامه انجمن مستقل وکلا.

پاسخ پیشنهادی : به نظر می‌رسد در این رابطه سه حالت قابل تصور باشد،

۱- در حالت اول به جای دریافت حق الزحمه، مال یا منفعت یا خدمت دیگری دریافت گردد.

۲- در حالت دوم، در کنار حق الزحمه به طور فی‌صدی مثلاً ۵۰٪ حق الزحمه و ۵۰٪ مال یا منفعت یا خدمت دیگری را دریافت دارد.

۳- در حالت سوم، علاوه بر حق الزحمه، مال یا منفعت یا خدمت دیگری را مطالبه نماید.

حالت سوم که به هیچ عنوان قابل پذیرش نمی‌باشد. به خصوص با تصریح ماده ششم ضمیمه شماره (۱) اساسنامه وکلا، که بر اساس آن « (۱) وکیل مدافع نمی‌تواند مال، خدمت و منفعت دیگری را به استثنای حق الزحمه قانونی برای خود یا شخص دیگر مطالبه نماید. (۲) وکیل مدافع نمی‌تواند به منظور اجراء، امتناع و یا توقف از اجرای وظیفه، مال، خدمت یا منفعت دیگری را به استثنای حق الزحمه قانونی از موکل برای خود و یا شخص دیگری مطالبه نماید. (۳) وکیل مدافع نمی‌تواند به منظور ترغیب و تشویق وکیل مدافع دیگر، قاضی یا مقام دیگری مال، خدمت و منفعت دیگری را جهت اجراء، امتناع یا توقف اجرای وظیفه‌ی که به وی محول گردیده بدهد یا پیشنهاد نماید. » بنابراین بر اساس تصریح این ماده نه تنها دریافت، بلکه حتی مطالبه موارد ذکر شده در فوق برای خود وکیل ممنوع بوده بلکه برای دیگری هم ممنوع شده است. همچنین، پیشنهاد و دادن مال، منفعت یا خدمت به وکیل، قاضی یا مقام دیگر نیز ممنوع شده است.

در رابطه با حالت اول، ممکن است برخی چنین استدلال نمایند که " مفهوم مخالف " ماده چنین است که اگر ماده دریافت منفعت، خدمت یا مالی علاوه بر حق الزحمه ممنوع نموده است، مفهوم آن چنین نمی‌باشد که دریافت مال، منفعت یا خدمتی " به جای یا در عوض " حق الزحمه مانعی نخواهد داشت. به نظر می‌رسد این استدلال نیز از دو جهت قابل رد باشد. اولاً مفهوم عرفی حق الزحمه که در مواد مختلف اسناد مربوط به وکلا ذکر شده است، دلالت بر نقدی بودن حق الزحمه دارد و شامل منفعت یا

خدمت یا حتی مال دیگر نمی‌گردد. در ثانی، "معین بودن حق الزحمه" جزء شروطی است که در مواد یا اسناد مربوط به وکلا به خصوص فقره (۱) ماده بیست و دوم مورد اشاره قرار گرفته است. این در حالی است که این ویژگی را تنها می‌توان در موارد نقدی قابل تصور دانست. به خصوص در مواردی که منفعت یا خدمت خاصی مطرح باشد، بعید است که بتوان به طور مشخص، صفت معین بودن را برای آن قابل تصور دانست.

در اسناد بین‌المللی رفتاری وکلا نیز مساله حق الزحمه به روشنی و صراحت مورد توجه قرار گرفته است، در طرز سلوک بین‌المللی ۱۹۸۸ در بند ۱۷ خلاء کلی مفهوم تناسب یا عادلانه بودن حق الزحمه رفع گردیده شده بود، بدین صورت که در این ماده، تصریح گردیده است در مواردی که فیس وکالت، در تعرفه مشخصی نداشته باشد و یا تعرفه قابل اجرا نباشد، در این صورت حق الزحمه وکیل باید بر اساس میزان خواسته و منافع دریافتی موکل، زمان و فعالیت که برای قضیه اختصاص داده شده و سایر ویژگیهای شخصی و عینی دوسیه تعیین گردد.^۱ بنابراین بر اساس این رهنمود، در مواردی که تعرفه مشخص و رسمی وجود ندارد و یا قابل اعمال نمی‌باشد، "میزان خواسته و منافع دریافتی موکل" به خصوص در دوسیه‌های مدنی می‌تواند معیار مناسبی برای تعیین حق الزحمه باشد. بعبارت دیگر به طور فی‌صدی می‌توان بر اساس میزان خواسته یا منافع موکل، میزان را تعیین نمود. همچنین بر اساس "زمان و میزان فعالیت" که ممکن است یک دوسیه در بر داشته باشد. می‌توان مقدار حق الزحمه را تعیین نمود. البته توجه به میزان فعالیت ممکن است این ایراد را داشته باشد که به هر دلیلی ممکن است دوسیه مد نظر از سوی مراجع عدلی و قضایی به طول انجامد و همچنین ممکن است برخی از وکلا، برای دریافت حق الزحمه بیشتر، به کارهای غیر ضروری به منظور توسعه میزان فعالیت، دست بزنند. با این وجود، البته که در هر مورد توجه به "ویژگیهای شخصی و عینی" دوسیه نیز همواره باید مد نظر

^۱ - بند ۱۷ مقررات بین‌المللی رفتاری وکلای بین‌المللی ۱۹۸۸.

وکلاي محترم قرار گيرد. اين مساله در مقررات بين المللي رفتاري ۲۰۱۱ در بند ۱۰ به گونه اي كلي تغيير نموده است البته با قيد مشخص معقولانه و قابل قبول بودن ميزان فيس وكلا كه البته براي وكلاي محترم همين ملاك مطمئناً گويا و مشخص مي باشد. وكلا براي انجام امور وكالت خویش مستحق دريافت حق الزحمه معقول و قابل قبول مي باشند. همچنين آنان نبايد حق الزحمه اي غير معقولانه را تعيين و دريافت نمايند. و در نهايت همچنين نبايد كارهاي غير ضروري را در رابطه با دوسيه ايجاديا توسعه دهند. اين بند به نظر مي رسد مناسب تر از مقررده ۱۹۸۸ باشد به خصوص با توجه به تصريح معقولانه بودن حق الزحمه و عدم در نظر گرفتن امور غير ضروري در امور مربوط به وكالت.

ج: ضمانت اجرا

اسناد و مقررات مربوط به وكلا به طور كلي در صورت نقض قوانين و مقررات مربوط به وكلا، سه قسم ضمانت اجرا پيش بيني نموده است كه شامل (تعقيب عدلي، احكام تاديبی و جبران خسارت) می گردد.

۱. تعقيب عدلي:

بر اساس فقره (۱) ماده بيست و هفتم قانون وكلاي مدافع، هر گونه شكايه موكل يا مراجع از وظائف مربوط به وكيل مدافع، به انجمن وكلاي مدافع ارجاع داده مي شود. در اين صورت پس از دريافت شكايات، دوسيه ها به دو دسته تقسيم مي گردد، ممكن است دوسيه جنبه جنايی داشته باشد، كه در اين صورت انجمن وكلاي مدافع، دوسيه را جهت تعقيب عدلي به بخارنوالي ارجاع مي نمايد. همچنين از طرف ديگر، چنانچه وكيل مدافع محترم، در رابطه با تاديب شوراي رهبري يا هيات اجرائيه قناعت نداشته باشد، مي تواند به محكمه مراجعه نمايد.^۱

^۱ - ماده چهلم اساسنامه انجمن مستقل وكلاي مدافع.

۲: احکام تادیبی:

اساسنامه انجمن، فصلی را با عنوان احکام تادیبی پیش بینی نموده است^۱ که بر اساس آن، چنانچه از وکیلی شکایتی صورت گیرد، در صورت وارد بودن شکایت، حکم تادیب شخص وکیل از سوی انجمن صادر خواهد شد. همچنین در ضمیمه شماره (۱) اساسنامه انجمن، ماده چهارم اشاره به "تخلف" وکیل از اصول ذکر شده در اساسنامه و ضمیمه آن دارد که بر اساس آن «در صورت تخلف از احکام این اساسنامه، متخلف مطابق احکام این اساسنامه مورد تادیب قرار داده می شود و در صورت شکایت، شورای رهبری می تواند مطابق بند ۳ و ۴ فقره ۲ ماده ۲۷ قانون وکلای مدافع و ماده ۴۰ اساسنامه با رای (دو ثلث کل اعضا) به تادیب شخص متخلف اقدام نماید.

موارد تادیبی نیز در قانون وکلای مدافع و در فصل احکام تادیبی (فصل چهارم) مورد اشاره قرار گرفته است. بر اساس ماده ۲۷ این قانون، موارد تادیبی شامل موارد: (۱- توصیه ۲- اخطار ۳- منع فعالیت وکیل مدافع و تعطیل دفتر آن الی یکسال. ۴- حذف وکیل مدافع از فهرست وکلای مدافع تا پنج سال. (موارد چهارگانه فوق مواردی است که در صلاحیت انجمن وکلای مدافع می باشد.

۳: جبران خسارت:

همچنین چنانچه وکیل مدافع محترم از حدود وظایف قانونی تجاوز نموده یا سهل انگاری در امور مربوط به وکالت نموده و یا سایر اعمالی را مرتکب شده باشد که موجب ضرر به موکل گردیده باشد، مسوول شناخته می شود. در این صورت متضرر می تواند از طریق محکمه مطالبه جبران خسارت نماید.^۲

^۱ - فصل هفتم اساسنامه انجمن مستقل وکلای مدافع.

^۲ - ماده بیست و هشتم قانون وکلای مدافع، ۱۳۸۶

نتیجه گیری فصل اول:

در این فصل سعی شد تا ابتدا مفهوم وکالت، مشیوعیت وکالت، شرایط و موانع وکالت توضیح گردد و ضمناً حقوق و وجایب وکلای مدافع در روشنایی قانون وکلای مدافع بیان گردید.

همچنان انجمن مستقل وکلای مدافع معرفی گردید.

در پایان، روی اصول حاکم بر وکالت دفاع با توجه به اسناد ذیل بحث صورت گرفت: قانون وکلای مدافع، اساسنامه وکلا و ضمیمه شماره (۱) اساسنامه که در رابطه با طرز سلوک رفتاری یا اخلاقی وکلا می باشد.

همچنین به منظور تطبیق و یافتن کاستیهای اسناد داخلی موجود، سعی گردید، اصول اشاره شده در اسناد داخلی با اسناد و مقررات بین المللی رفتاری وکلا تطبیق و مقایسه گردد. در نهایت پس از تطبیق، به ضمانت اجرای نقض قواعد یا اصول اخلاقی نیز اشاره گردید.

فصل دوم

اداره مساعدهای حقوقی در افغانستان

اهداف:

در پایان این درس اشتراک کنندگان قادر به انجام امور ذیل خواهند شد:

۱. مفهوم مساعدهای حقوقی را توضیح دهند؛
۲. اهداف اداره مساعدهای حقوقی را ذکر نموده تشکیل و صلاحیتهای آنرا شرح دهند؛
۳. روابط خویش را با اداره مساعدهای حقوقی و اعضای آن طبق احکام قانون تنظیم نمایند؛ و
۴. اصول حاکم بر مساعدهت حقوقی را توضیح داده رعایت نمایند.

عناوین:

۱. مفهوم مساعدهای حقوقی
۲. اهداف اداره مساعدهای حقوقی
۳. تشکیل، وظایف و صلاحیتهای اداره مساعدهای حقوقی
۴. اصول حاکم بر مساعدهای حقوقی

فصل دوم

اداره مساعدهای حقوقی

انجمن مستقل وکلای مدافع برای دفاع از حقوق مظنونین و متهمین در هرکشوری لازم است اما کافی نیست. زیرا برخی از افراد برای پیشبرد دعاوی شان و یا دفاع از حقوق شان توان مالی لازم برای استخدام وکیل مدافع را ندارند. خصوصاً در کشورهایی مثل افغانستان که فیصدی بالایی از اتباع کشور فقیر و یا با درآمد پایین می باشند. بنابراین لازم است که دولت ها افراد بی بضاعت را فراموش نکرده و در فکر حمایت های حقوقی از آن ها بوده باشند. خوشبختانه دولت افغانستان از این امر غافل نبوده و در این راستا از یکطرف وکلای مدافع را به اساس فقره ۱۵ ماده ۱۳ قانون وکلای مدافع مکلف به دفاع مجانی از سه قضیه جنائی در هر سال نموده است و از جانب دیگر «اداره مساعدهای حقوقی» را به منظور ارایه مشوره ها درچارچوب وزارت عدلیه، تاسیس نموده است. این اداره نیز-اگر شرایط کشور مساعد باشد و زمینه های لازم برای فعالیت های شان فراهم باشد و از سوی دیگر مسئولان آن برای خدمت به مردم عزم راسخ وجود داشته باشد- نقش مهم و برجسته ای را می تواند در دسترسی شهروندان به عدالت و تامین حقوق و آزادی هایی که درقانون اساسی به رسمیت شناخته شده است، ایفاء نماید.

دولت افغانستان به منظور عملی ساختن اندیشه فوق، درتاریخ ۴/۱۰/۱۳۸۷ مقرره مساعدهای حقوقی را در شورای وزیران تصویب نمود و مقرره مذکور در تاریخ ۱۲ سرطان ۱۳۸۷ در جریده رسمی شماره ۹۵۰ به نشر رسید. سپس در ۲۴ سنبله ۱۳۹۸ در جریده رسمی شماره ۱۳۵۵ مقرره جدیدی را نافذ ساخت و به اساس ماده ۳۵ آن مقرره قبلی ملغی گردید.

دراین مجال، با احکام حقوقی وقانونی این اداره در ارایه خدمات حقوقی به شهروندان آشنا می شویم.

مبحث اول - مفاهیم و تعاریفات:

تحت این مبحث، به تعریف اصطلاحات اساسی مرتبط به مساعدهای حقوقی پرداخته می شود که شامل اصطلاحات ذیل است: مساعدهای حقوقی، مشوره حقوقی، مساعد حقوقی، بی بضاعت، خدمات حقوقی و دستیار حقوقی.

قابل ذکر است که در مقرره جدید، در تعریف برخی از واژه های فوق الذکر بازنگری صورت گرفته است.

الف: تعریف مساعدهای حقوقی و مشوره حقوقی:

بند ۱۰ ماده ۳ مقرره مساعدهای حقوقی (۱۳۹۸)، مفهوم مساعدت حقوقی را به شرح ذیل بیان نموده است: « مساعدت حقوقی، دفاع از حقوق مظنون، متهم، محکوم علیه یا مجنی علیه بی بضاعت در هر مرحله از تعقیب عدلی و دفاع از حقوق اطفال و زنان بی بضاعت در قضایای خانوادگی و ارایه خدمات حقوقی رایگان به آنها می باشد». هرچند مشوره حقوقی عبارت از « نظریه حقوقی در مورد ماهیت و شکلیات یک قضیه اس تکه توسط مساعد حقوقی ارائه می گردد» (جزء ۱۴ ماده سوم مقرره).

مقرره سال ۱۳۸۷ (که اکنون ملغی است) مساعدهای حقوقی را چنین تعریف نموده بود: "مساعدهت حقوقی، دفاع از حقوق مظنون و متهم بی بضاعت یا ارایه مشوره های حقوقی به آنها در هر مرحله از تعقیب عدلی و دفاع از حقوق اطفال و زنان بی بضاعت در قضایای مدنی مطابق احکام این مقرره می باشد".

با مقایسه دو تعریف، ملاحظه می شود که در مفهوم مساعدهای حقوقی در کشور تحولی رخ داده است که شامل موارد ذیل می گردد:

- در مقرره جدید، افزون بر مظنون و متهم بی بضاعت، محکوم علیه و مجنی علیه بی بضاعت نیز علاوه شده است.

- در مقرره جدید، دفاع از اطفال و زنان منحصر- بر قضایای خانوادگی شده است؛ درحالیکه مقرره ۱۳۸۷ این خدمات را در عرصه مدنی پیش بینی نموده بود که بسیار وسیع می باشد. مساعده حقوقی به اطفال و زنان بی بضاعت، در خارج از حوزه جزائی قابل توجیه است. زیرا زنان و اطفال در تمامی جوامع در زمره اقشار آسیب پذیر به شمار می روند. در افغانستان با توجه به سال های متمادی جنگ و بی ثباتی در کشور، میزان بالایی از بی سواد و کم سواد جمعیت کشور و وجود خورده فرهنگ های غلط در برخی مناطق، احتمال محرومیت زنان و اطفال از دسترسی به عدالت، بیشتر وجود دارد. به همین دلیل بوده که قانونگذار، در مساعده حقوقی به اطفال و زنان توجه خاصی را مبذول داشته است.

ب: تعریف مساعده حقوقی:

به اساس جزء ۱۱ ماده سوم مقرر مذکور «مساعده حقوقی: وکیل مدافعی است که با نظر داشت احکام این مقرر در قضایای جزایی از حقوق مظنون، متهم، محکوم علیه یا مجنی علیه بی بضاعت در هر مرحله از تعقیب عدلی و در قضایای خانواده گی از حقوق اطفال و زنان بی بضاعت دفاع می نماید».

ج: تعریف بی بضاعت:

به اساس جزء ۲ ماده ۳ مقرر (۱۳۹۸)، «بی بضاعت: شخصی است که عاید وی کفاف حد اقل معیشت او را ننموده و توانایی استخدام وکیل مدافع را نداشته باشد». قابل ذکر است که در مقرره (۱۳۸۷) جزء اخیر تعریف «توانایی استخدام...»، وجود نداشت.

د: تعریف خدمات حقوقی:

در تعریف مساعدههای حقوقی و همچنان در تعریف مساعده حقوقی تصریح شده است که برای اطفال و زنان بی بضاعت خدمات حقوقی رایگان ارایه می شود، مقرر ۱۳۹۸ این خدمات را چنین تعریف

نموده است: «خدمات حقوقی: شامل مستند سازی، نوشتن عرایض و پاسخ به مکاتیب و استعلام های رسمی است که توسط دستیار حقوقی یا کلینیک حقوقی صورت می گیرد».

ه: تعریف دستیار حقوقی:

«دستیار حقوقی: شخص فاقد جواز وکالت دفاع بوده که تحت نظر مساعد حقوقی یا وکیل مدافع، خدمات حقوقی را ارائه می نماید». (جزء ۴ ماده ۳ مقررہ).

مبحث دوم - اهداف مساعدهای حقوقی:

در ماده دوم، موارد زیر به عنوان اهداف مقررہ مذکور بر شمرده شده است: »

۱. فراهم نمودن زمینه ارائه مساعده و خدمات حقوقی قابل اعتماد به مظنون، متهم یا محکوم علیه و یا مجنی علیه بی بضاعت.
۲. انسجام فعالیت مساعدين حقوقی مراجع ارائه کننده مساعده های حقوقی و ارزیابی اجراءات آنها.
۳. فراهم نمودن زمینه آموزش و گسترش معلومات در مورد مساعده حقوقی.
۴. تنظیم امور مربوط به اداره مساعده های حقوقی.
۵. تنظیم امور مربوط به نظارت از ارائه مساعده حقوقی مراجع ارائه کننده مساعده حقوقی».

مبحث سوم - نهادهای ذیدخل در تنظیم و ارائه مساعده های حقوقی:

گفتار اول: اداره مساعدهای حقوقی:

همانطور که قبلاً اشاره شد، از نظر تشکیل، اداره مساعده های حقوقی در چارچوب وزارت عدلیه پیش بینی شده است. (فقرة ۲ ماده ۴ مقررہ) و دارای شعباتی در ولایات نیز می باشد. وظایف و صلاحیت های این اداره و آمریت های مربوطه آن در ولایات در ماده ۲۲ مقررہ به گونه ذیل پیش بینی شده است:

۱. دریافت فورمه بی بضاعتی، بررسی و اتخاذ تصمیم در مورد تعیین مساعد حقوقی یا رد آن.

۲. تعیین و توظیف مساعد حقوقی مطابق این مقررہ.
۳. استفاده از دیتابیس مساعدت حقوقی.
۴. نظارت از اجراءات مساعدین حقوقی مربوط و اخذ گزارش از اجراءات آنها.
۵. جمع آوری احصایه دقیق ارائه‌ی مساعدت‌های حقوقی توسط مساعدین حقوقی مربوط.
۶. توظیف مساعد حقوقی غرض ارائه‌ی مساعدت حقوقی برای مجنی علیه و در قضایای مدنی^۱ برای اطفال و زنان بی بضاعت.
۷. حصول اطمینان از مراجع عدلی و قضائی در رابطه به ارائه‌ی مساعدت حقوقی توسط مساعد حقوقی تعیین شده، در هر مرحله از تعقیب عدلی برای مظنون، متهم یا محکوم علیه بی بضاعت.
۸. حصول اطمینان از همکاری مسئولین مراجع عدلی و قضایی با مساعدین حقوقی مربوط حین انجام وظیفه.
۹. حصول اطمینان از مراجع عدلی و قضائی در رابطه به ارائه‌ی مساعدت حقوقی توسط مساعد حقوقی تعیین شده، برای اطفال و زنان در قضایای خانواده‌گی.
۱۰. تدویر سیمینار، ورکشاپ، کورس و برنامه آموزشی جهت ارتقای سطح دانش مسلکی مساعدین حقوقی اداره‌ی مساعدت‌های حقوقی.
۱۱. ارایه گزارش ربع وار از اجراءات و فعالیت‌های مربوط، به مقام وزارت و کمیسیون.
۱۲. انجام سایر وظایف که از طرف وزیر عدلیه یا کمیسیون به آن محول می‌شود^۲.

اما وظایف و مکلفیت‌های مساعد حقوقی در ماده‌ی دهم مقررہ به شرح زیر است:

۱. ارائه‌ی مساعدت حقوقی.
۲. ارائه‌ی مشوره‌ی حقوقی. مشوره حقوقی عبارت از «نظریه‌ی حقوقی در مورد ماهیت و شکلیات یک قضیه اس تکه توسط مساعد حقوقی ارائه می‌گردد» (جزء ۱۴ ماده‌ی سوم مقررہ).

^۱ - ملاحظه می‌شود که در این ماده همکاری با زنان و اطفال را در مطلق قضایای مدنی پیش بینی نموده است طوریکه در مقررہ ۹۵۰ وجود داشت، در حالیکه در تعریف مساعدتهای حقوقی قبلاً ملاحظه نمودیم که قضایای مدنی را منحصر به خانوادگی ساخته است. بنابراین، گفته می‌توانیم که این ماده ناشی از غفلت مقنن است و متوجه نشده میان مواد هماهنگی لازم بر قرار سازد.

^۲ - در مقررہ سال ۱۳۸۷ این موارد در ماده ۱۷ با تفاوت گسترده ذکر بود.

۳. اشتراک در تمام مراحل دعوی و نیابت از مؤکل.
۴. جستجو و کسب اطلاعات از جریان کشف، تحقیق و محاکمه مؤکل و نتایج آن.
۵. مطالبه اوراق دعوی از مراجع ذیربط.
۶. برقراری روابط با مؤکل تحت نظارت، توقیف یا حبس در محیطی که اسرار مؤکل حفظ شود چه از طریق ملاقات، مراسلات و یا مخابره.
۷. ارائه مساعده حقوقی با صداقت و امانت داری و احترام به مؤکل.
۸. اشتراک در جلسات قضائی و رعایت نظم در مراجع عدلی و قضائی.
۹. اجتناب از هر نوع تبعیض.
۱۰. خود داری از مساعده به جانب مقابل مؤکل.
۱۱. خود داری از معطل شدن بی موجب جریان تحقیق و محاکمه.
۱۲. اخذ اسناد از مؤکل، حفظ و استرداد آن به مؤکل در بدل سند کتبی.
۱۳. ثبت معلومات قضایای محول شده در دیتابیس مطابق احکام این مقرر.
۱۴. ارائه گزارش اجراات کاری روزانه به مرجع مربوط.
۱۵. انجام سایر وظایف پیش بینی شده در مقرر. (فقره ۱ ماده ۱۰).

گفتار دوم - کمیسیون عالی مساعده های حقوقی

به منظور تنظیم امور و رهبری موثر مساعده های حقوقی و هم آهنگ ساختن فعالیت های مراجع ذیربط در زمینه، به عوض بورد مساعده های حقوقی که به اساس مقرر ۱۳۸۷ ایجاد گردیده بود، نهاد دیگری تحت عنوان کمیسیون عالی مساعده های حقوقی تحت ریاست وزیر عدلیه با ترکیب اعضای ذیل جاگزین بورد گردیده است:

۱. آمر عمومی اداری قوه قضائیه.
۲. معاون لوی سارنوال.
۳. عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

۴. معین مالی وزارت مالیه.
۵. معین امنیتی وزارت امور داخله.
۶. معین علمی وزارت تحصیلات عالی.
۷. معین وزارت امور زنان.
۸. معاون اداره ارگانهای محلی.
۹. رئیس عمومی اداره مساعده‌های حقوقی.
۱۰. رئیس عمومی انستیتیوت امور قانونگذاری و تحقیقات علمی-حقوقی.
۱۱. معاون ریاست عمومی امنیت ملی.
۱۲. رئیس انجمن مستقل وکلای مدافع.
۱۳. چهار عضو از مؤسسات غیر دولتی ارائه کننده مساعده‌های حقوقی (دو زن دو مرد). مطابق فقره ۲ ماده ۱۲ مقررہ طرز تعیین آنها در مقررہ جداگانه تنظیم می شود.
۱۴. آمر دار الانشای کمیسیون به حیث منشی.

وظایف و صلاحیتهای کمیسیون در ماده ۱۳ مقررہ ذکر شده است که به شکل مختصر شامل مطالب ذیل می گردد:

۱. تصویب اسناد: ستراتیژی، پلان، طرز العمل ها، رهنمود ها و فورمه های بی بضاعتی.
۲. تأیید پیشنهاد طرح تعدیل مقررہ.
۳. اعطای اعتبار نامه به مؤسسات غیر دولتی و لغو آن.
۴. عقد قرارداد با مؤسسات غیر دولتی و شرکتهای حقوقی و فسخ آن.
۵. ایجاد صندوق مساعده‌های حقوقی و مدیریت آن.
۶. جلب کمک به صندوق مذکور.
۷. اتخاذ تصمیم در مورد شکایات مساعدين حقوقی بعد از بررسی دارانشای کمیسیون.
۸. استماع گزارش از اجراءات مراجع ارائه کننده مساعده حقوقی.

۹. وضع طرز العمل نظارتی غرض نظارت از فعالیتهای مراجع ارائه کننده خدمات مساعدت حقوقی.

۱۰. حصول اطمینان از ارائه به موقع و مؤثر مساعدت حقوقی.

۱۱. حصول اطمینان از انجام اجراءات و فعالیتهای دارالانشای کمیسیون و مراعات ارائه کننده مساعدت حقوقی.

مبحث پنجم - اصول حاکم بر مساعدت های حقوقی

ارایه مساعدت های حقوقی از سوی دولت به شهروندان کشور، در چارچوب اصول و اساسات خاصی صورت می گیرد و این اصول همواره در امر مساعدت های حقوقی رعایت می گردد. علاوه بر اصول عام وکالت دفاع که قبلاً بیان گردید و در مساعدتهای حقوقی نیز باید رعایت شود، یکسلسه اصول ویژه وجود دارد که در امر مساعدتهای حقوقی قابل رعایت است:

الف - اصل رایگان بودن

مساعدت های حقوقی رایگان خواهد بود و مساعدین در بدل آن از شهروندان پولی دریافت نمی کنند. ماده ۳۱ قانون اساسی، تصریح می کند که «...دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید...». همچنان در مقررۀ مساعدتهای حقوقی به گونه مکرر از اشخاص بی بضاعت یاد شده است که ضمناً مجانی بودن خدمات مساعدت حقوقی را می رساند (مواد ۲۲-۲۵ مقررۀ). قابل ذکر است، استثناء در ولایاتی که وکلای مدافع وجود ندارند، مساعدین حقوقی می توانند در مقابل مزد به دفاع از حقوق مؤکلینی که توانایی مالی دارند پردازند (فقرة ۱ ماده ۳۰ مقررۀ). در اینصورت پول حاصله به صندوق خاص به نام «صندوق مساعدت حقوقی» جمع آوری شده و در موارد پیش بینی شده در طرز العملی که مطابق ماده ۲۹ مقررۀ توسط کمیسیون عالی مساعدت های حقوقی تنظیم می شود، به مصرف می رسد.

ب - اصل رضاکارانه بودن

شرط موفقیت مساعدت های حقوقی آن است که توام با رضایت طرفین، بویژه مساعدت شوندگان بوده باشد. هرگاه این برنامه ها به صورت تحمیلی اجرا شود یا افرادی به نام مساعدین حقوقی بر مردم تحمیل شوند، برنامه ها نتایج موفق نخواهد داشت.

فقرة ۲ ماده ۲۷ مقرر در این باره چنین تصریح می دارد:

"هرگاه میان مساعد حقوقی و موکل تعارض منافع وجود داشته باشد یا موکل از مساعد حقوقی راضی نباشد، مساعد حقوقی یا موکل مکلف است موضوع را کتبا به اطلاع اداره مساعدت های حقوقی برساند تا اداره مساعدت های حقوقی، مساعد حقوقی دیگری را توظیف نماید."

ج - اصل استقلال

از آنجا که مساعد حقوقی از حقوق و آزادی های شهروندان دفاع می نماید و همچنین باید به مردم مشوره های صادقانه ارائه نماید، طبع کارش ایجاب می نماید که دارای استقلال عمل باشد و وابسته به نهاد یا ارگانی نباشد و از سوی دیگر از هیچ ارگانی هم ترس و هراس نداشته باشد تا بتواند به جرأت و بدون بیم و ترس از حقوق مظلومان حمایت و حفاظت نماید.

با توجه به همین مصلحت مهم، فقرة ۲ ماده ۱۰ مقرر تصریح می دارد که «مساعد حقوقی در اجراءات خود مستقل می باشد».

نتیجه گیری

در این جلسه آموزشی به موضوعات تعریف مساعدهای حقوقی و اصطلاحات مرتبط به آن پرداخته شد، اهداف مساعدهای حقوقی و نهادهای ذیدخل در تنظیم و ارائه آن توضیح گردید به شمول اداره مساعدهای حقوقی و کمیسیون عالی مساعدت های حقوقی.

در پایان اصول حاکم بر مساعدهای حقوقی توضیح گردید از قبیل: اصل رایگان بودن، اصل رضاکارانه بودن و اصل استقلال.

فهرست مآخذ

- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، سال ۱۳۸۲ هـ.ش.
- قانون مدنی افغانستان، جریده رسمی شماره ۳۵۳ سال ۱۳۵۵ هـ.ش.
- قانون وکلای مدافع، جریده رسمی شماره ۹۳۴ سال ۱۳۸۶.
- اساسنامه انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان و ضمایم آن، انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان، سال ۲۰۰۸ م.
- مقررۀ مساعدت های حقوقی، جریده رسمی شماره ۹۵۰ سال ۱۳۸۷.
- مقررۀ مساعدهای حقوقی، جریده رسمی شماره ۱۳۵۵ سال ۱۳۹۸.
- قانون اجراءات جزائی، جریده رسمی شماره ۱۱۳۲ سال ۱۳۹۳ هـ.ش.